

Cc

Calculable	قابل محاسبه	Cancel	حذف کردن - باطل کردن
Calculate		Cancellation	حذف
	محاسبه کردن - حساب کردن	Cancellation law	
Calculating machine	ماشین حساب	قانون حذف - در یک گروه (G, \circ) داریم:	
Calculation	محاسبه - حساب	$a \circ b = a \circ c \rightarrow b = c$	
Calculator	ماشین حساب - حسابگر	Candle power	
Calculus		شمع - واحد اندازه گیری شدت نور	
	حسابان - حساب دیفرانسیل و انتگرال -	Canonical	
	حساب جامعه و فاصله		کانونی - متعارفی - متعارف
Calculus of variations		Canonically	بطور متعارفی
	حساب تفاضلات متناهی	Canonical representation of a	
Calculus of finite differences		space curve	
	حساب تغییرات - حساب وردشها - حساب	نمایش متعارف یک منحنی فضایی (بر	
	واریاسیونها	حسب طول قوس آن)	
Calendar	تقویم - سالنامه	Canonical transformation	
Caliber		تبدیل متعارفی	
	قطر دهانه لوله - قطر داخلی لوله	Cant	سطح مایل - سطح مورب
Calibrate		Cantor - Bendixon theorem	
	قطر داخلی چیزی را اندازه گرفتن	قضیه " کانتور - بندیکسون " - هر زیر	
Call	نامیدن	مجموعه بسته و نا شمارا از R^n ، مانند F را	
Calliper	قطر سنج	می توان بصورت $F = A \cup B$ نوشت که در آن	
Calliper compass	پرگار قطر سنج	A مجموعه ای کامل و B مجموعه ای شمارا است.	

Cantor diagonal process

فرآیند قطری کانتور - روشی برای اثبات
شمارش ناپذیری مجموعه اعداد حقیقی

Cantor intersection theorem

قضیه مقطع کانتور - اگر $\{Q_1, Q_2, \dots\}$
گردایه شمارشی از مجموعه‌های غیر تهی
در R^n باشد بطوریکه:

$$Q_{k+1} \subseteq Q_k \quad (k=1, 2, \dots)$$

۲ - هر Q_k بسته بوده و Q_1 کراندار باشد.
آنگاه $\bigcap_{k=1}^{\infty} Q_k$ بسته و غیر تهی است.

Cantor theorem

قضیه کانتور - قضیه‌ای حاکی از اینکه هیچ
تناظر یک به یکی بین یک مجموعه و گردایه
زیر مجموعه‌های آن وجود ندارد.

Cap

عرقچین کروی - علامت اشتراک مجموعه‌ها

Capacitance

ظرفیت الکتریکی - توان

Capacitor

خازن

Capacity

ظرفیت - گنجایش

Capital

سرمایه

Card

برگ - ورق

Cardinal

کاردینال - اصلی

Cardinality of a set

تعداد عناصر یک مجموعه

Cardinal number

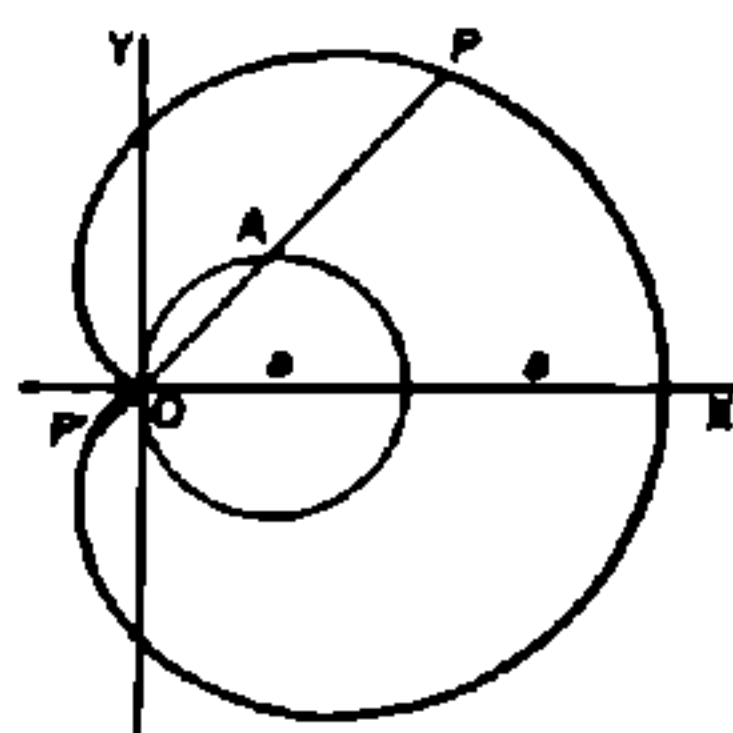
عدد اصلی

Cardinal points

نقاط اصلی

Cardioid

منحنی دل‌گون - منحنی قلب شکل -
منحنی نمایش تابع $r = a(1 + \cos \theta)$ در
مختصات قطبی



کارتزین - دکارتی Cartesian

Cartesian coordinates

مختصات دکارتی

Cartesian coordinate system

دستگاه مختصات دکارتی

Cartesian coordinates in the

plane مختصات دکارتی در صفحه

Cartesian equation

معادله دکارتی

Cartesian geometry

هندسه دکارتی - هندسه تحلیلی

Cartesian plane

صفحه دکارتی

Cartesian product

حاصلضرب دکارتی

Cartesian product of intervals

حاصلضرب دکارتی فواصل

Cartesian product of sets

حاصلضرب دکارتی مجموعه‌ها

Cartography

نقشه کشی - نقشه برداری

Case

حالت - مورد

Casting out nines (cast - out - the
nines)

نه نه خارج کردن (امتحان ضرب)

Catalog فهرست

Categorical

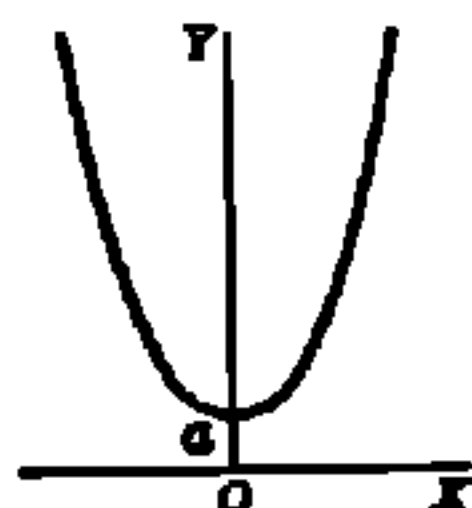
قطعی - مطلق - جزمی - بی شرط

Category

طبقه - رده - مقوله - مقوله منطقی

Catenary

منحنی زنجیری - منحنی حاصل از آویختن یک زنجیر یکنواخت بین دو انتهای آن



Cauchy - Bunyakovski inequality

نامساوی "کوشی - بونیاکوفسکی" -

نامساوی "کوشی - شوارتس"

Cauchy condition for products

شرط کوشی در مورد حاصلضربها - حاصلضرب

نامتناهی $\prod u_n$ همگراست اگر و فقط اگر به

ازاء هر $\epsilon > 0$ ، عددی طبیعی مانند N

موجود باشد بطوریکه $n > N$ نتیجه دهد:

$$|u_{n+1}u_{n+2}\dots u_{n+k} - 1| < \epsilon$$

$$k = 1, 2, 3, \dots$$

Cauchy condensation test

آزمون تراکم کوشی - اگر $\sum a_n$ یک سلسله با

جملات نامنفی و p عددی طبیعی باشد آنگاه

سلسله‌های $\sum a_n$ و $\sum p^n a_{p^n}$ همرفتارند.

Cauchy condition for uniform

convergence

شرط کوشی برای همگرایی یکنواخت -

دنباله تابعی $\{f_n\}$ که روی $E \subset R$ تعریف

شده است روی E بطور یکنواخت همگراست

اگر و تنها اگر:

$$\forall \epsilon > 0 \exists N \ni m \geq N, n \geq N, x \in E \rightarrow$$

$$\rightarrow |f_m(x) - f_n(x)| < \epsilon$$

Cauchy criterion

معیار کوشی

Cauchy criterion for continuity

at a point

معیار کوشی برای پیوستگی در یک نقطه -

شرط لازم و کافی برای آنکه تابع $f: A \rightarrow R$

در نقطه $p \in A$ پیوسته باشد آنست که به

ازاء هر $\epsilon > 0$ ، عدد مثبتی مانند δ یافت

شود بطوریکه به ازاء هر $x_1, x_2 \in A$ ،

$$|x_1 - p| < \delta, |x_2 - p| < \delta \rightarrow$$

$$\rightarrow |f(x_1) - f(x_2)| < \epsilon$$

Cauchy formula

دستور کوشی - دستور انتگرال کوشی

Cauchy inequality

نامساوی کوشی - نامساوی "کوشی" -

شوارتس"

Cauchy integral test

آزمون انتگرال کوشی - اگر $f: (1, \infty) \rightarrow R$

تابعی نامنفی و ناصعودی باشد آنگاه سلسله

$$\sum_{n=1}^{\infty} f(n)$$

همگرا یا واگراست.

Cauchy principal value

مقدار اصلی کوشی - مقدار اصلی کوشی

$$\int_{-\infty}^{+\infty} f(x) dx \text{ برابر است با:}$$

$$\lim_{t \rightarrow +\infty} \int_{-t}^t f(x) dx$$

مشروط بر اینکه حد فوق موجود باشد - اگر

تابع f روی فاصله (a, b) بجز در یک

همسایگی نقطه c کراندار باشد، مقدار

$$\begin{cases} \frac{\partial u}{\partial x} = \frac{\partial v}{\partial y} \\ \frac{\partial u}{\partial y} = -\frac{\partial v}{\partial x} \end{cases}$$

Cauchy - schwarz inequality

نامساوی کوشی شواتز - اگر u و v دو بردار در یک فضای ضرب داخلی باشند، آنگاه:

$$|\langle u, v \rangle| \leq \|u\| \cdot \|v\|$$

در حالت خاص،

$$\sum_{i=1}^n |a_i|^2 \leq \sum_{i=1}^n |a_i| \cdot \sum_{i=1}^n |a_i|$$

که در آن a_i ها و b_i ها اعدادی مختلط اند.

Cauchy's distribution

توزیع کوشی - توزیعی پیوسته با پارامترهای a و ξ که دارای تابع چگالی احتمال زیر است:

$$p(x) = \frac{1}{\pi a} \frac{1}{1 + \left(\frac{x - \xi}{a}\right)^2} \quad (a > 0)$$

Cauchy sequence

رشته کوشی - دنباله کوشی

Cauchy's integral formula

دستور انتگرال کوشی - دستور کوشی - اگر U زیر مجموعه باز از \mathbb{C} و $f: U \rightarrow \mathbb{C}$ تابعی تحلیلی و C یک منحنی بسته ساده با جهت مثبت در U باشد، آنگاه برای هر z درون C داریم:

$$f(z) = \frac{1}{2\pi i} \int_C \frac{f(\xi)}{\xi - z} d\xi$$

Cauchy's integral test

آزمون انتگرال کوشی - آزمون انتگرال

اصلی کوشی $\int_{\gamma} f(x) dx$ برابر است با:

$$\lim_{n \rightarrow \infty} \left[\int_{-n}^{-1} f(x) dx + \int_{1}^n f(x) dx \right]$$

مشروط بر اینکه حد فوق موجود باشد.

Cauchy product of series

حاصلضرب کوشی سلسله ها

Cauchy radical test

آزمون ریشه‌ای کوشی - سلسله مختلط $\sum a_n$ را در نظر گرفته و قرار می‌دهیم:

$$\rho = \lim_{n \rightarrow \infty} \sup \sqrt[n]{|a_n|}$$

داریم:

۱ - اگر $\rho > 1$ سلسله $\sum a_n$ واگراست.

۲ - اگر $\rho < 1$ سلسله $\sum a_n$ همگراست.

۳ - اگر $\rho = 1$ آزمون بی نتیجه است.

Cauchy ratio test

آزمون نسبت کوشی - سلسله $\sum a_n$ متشکل از اعداد مختلط و غیر صفر a_n را در نظر گرفته و قرار می‌دهیم:

$$R = \lim_{n \rightarrow \infty} \sup \left| \frac{a_{n+1}}{a_n} \right| \text{ و } r = \lim_{n \rightarrow \infty} \inf \left| \frac{a_{n+1}}{a_n} \right|$$

در این صورت:

۱ - اگر $R < 1$ ، سلسله $\sum a_n$ همگراست.

۲ - اگر $r > 1$ ، سلسله $\sum a_n$ واگراست.

۳ - $r \leq 1 \leq R$ ، آزمون بی نتیجه است.

Cauchy representation

نمایش کوشی

Cauchy - Riemann equations

معادلات "کوشی - ریمنان" - اگر $z = x + iy$ و $f(z) = u(x, y) + i v(x, y)$ آنگاه f تحلیلی است، اگر و تنها اگر:

Cauchy's integral theorem

قضیه، انتگرال کوشی - اگر تابع f در سراسر حوزه، همبند ساده، D تحلیلی باشد آنگاه به ازای هر منحنی بسته با درازای متناهی، مانند C ، که در درون D واقع شود داریم:

$$\int_C f(z) dz = 0$$

Cauchy's mean value theorem

قضیه، مقدار میانی کوشی - اگر تابع f و g بر $[a, b]$ پیوسته و بر (a, b) مشتقپذیر باشند و علاوه تابع g' همه جاروی (a, b) مخالف صفر باشد، آنگاه نقطه‌ای مانند c در (a, b) موجود است بطوریکه:

$$\frac{f(b) - f(a)}{g(b) - g(a)} = \frac{f'(c)}{g'(c)}$$

Cauchy's test for convergence

آزمون کوشی برای همگرایی (آزمون ریشه‌ای کوشی یا آزمون انتگرال کوشی)

Cauchy's theorem about finite groups

قضیه، کوشی در مورد گروه‌های متناهی - اگر G گروهی متناهی و P عدد اولی باشد که مرتبه، گروه را عاد کند، آنگاه G دارای عضوی از مرتبه P است.

Causality علیت

Cause سبب - علت - سبب شدن

Cause and effect. علت و معلول

Cayley - Hamilton theorem

قضیه، کیلی هامیلتون - هر تبدیل خطی یا ماتریس در معادله، مشخصه، خود صدق

می‌کند.

Cayley's theorem

قضیه کیلی - هر گروه با زیر گروهی از یک گروه جایگشتی پکریخت است.

CC. (cubic centimeter)

سانتیمتر مکعب

Cell

سلول - حفره - تصویر همانسان گوی واحد

Celsius scale

مقیاس سلسیوس - مقیاس سانتیگراد

Cent

مقیاس بمعنی صد

Center

مرکز

Center of a group

مرکز گروه - بنا به تعریف مرکز گروه G عبارتست از مجموعه

$Z(G) = \{g \in G | gx = xg, G \text{ از } x \text{ هر } x\}$

Center of area

مرکز سطح - مرکز سطح یک شکل مطمح عبارتست از مرکز جرم آن وقتی که بعنوان یک جسم با توزیع جرم یکنواخت در نظر گرفته شود.

Center of curvature

مرکز انحنا

Center of gravity

مرکز ثقل

Center of inversion

مرکز انعکاس - قطب انعکاس (بعنوان یک تبدیل هندسی)

Center of mass system

دستگاه مرکز ثقل (نوعی دستگاه مختصات قطبی)

Center of symmetry

مرکز تقارن

Center of volume

مرکز حجم -

مرکز حجم یک جسم سه بعدی عبارتست از
مرکز جرم آن وقتی که بعنوان یک جسم با
توزیع جرم یکنواخت در نظر گرفته شود.
Centesimal

صدم - صدتائی - صد قسمتی

Centesimal system of measuring
angles

دستگاه صد قسمتی برای اندازه گیری زوایا

Centi یکصدم - سانتی

Centigrade

یکصدم گراد - سانتی گراد

Centimeter یکصدم متر - سانتی متر

Centrad

سنتراد - واحدی برای اندازه گیری زاویه
برابر با 0.01 رادیان و یا تقریباً 0.573°
درجه

Central مرکزی

Central force نیروی مرکزی

Central concept مفهوم اصلی

Centralize

متمرکز کردن - تمرکز دادن

Centralizer

مرکز ساز - مرکز ساز عضو a در گروه G
عبارتست از:

$$N(a) = \{x \in G \mid xa = ax\}$$

Central moment گشتاور مرکزی

Central quadric

رویه درجه دوم مرکزی - یک رویه درجه
دوم که دارای مرکز تقارن می باشد. مثلاً
کره، بیضی گون و هذلولی گون

Central Similitude تجانس مرکزی

Central symmetry تقارن مرکزی

Centralization تمرکز

Centrifugal force نیروی گریز از مرکز

Centrifugation گریز از مرکز

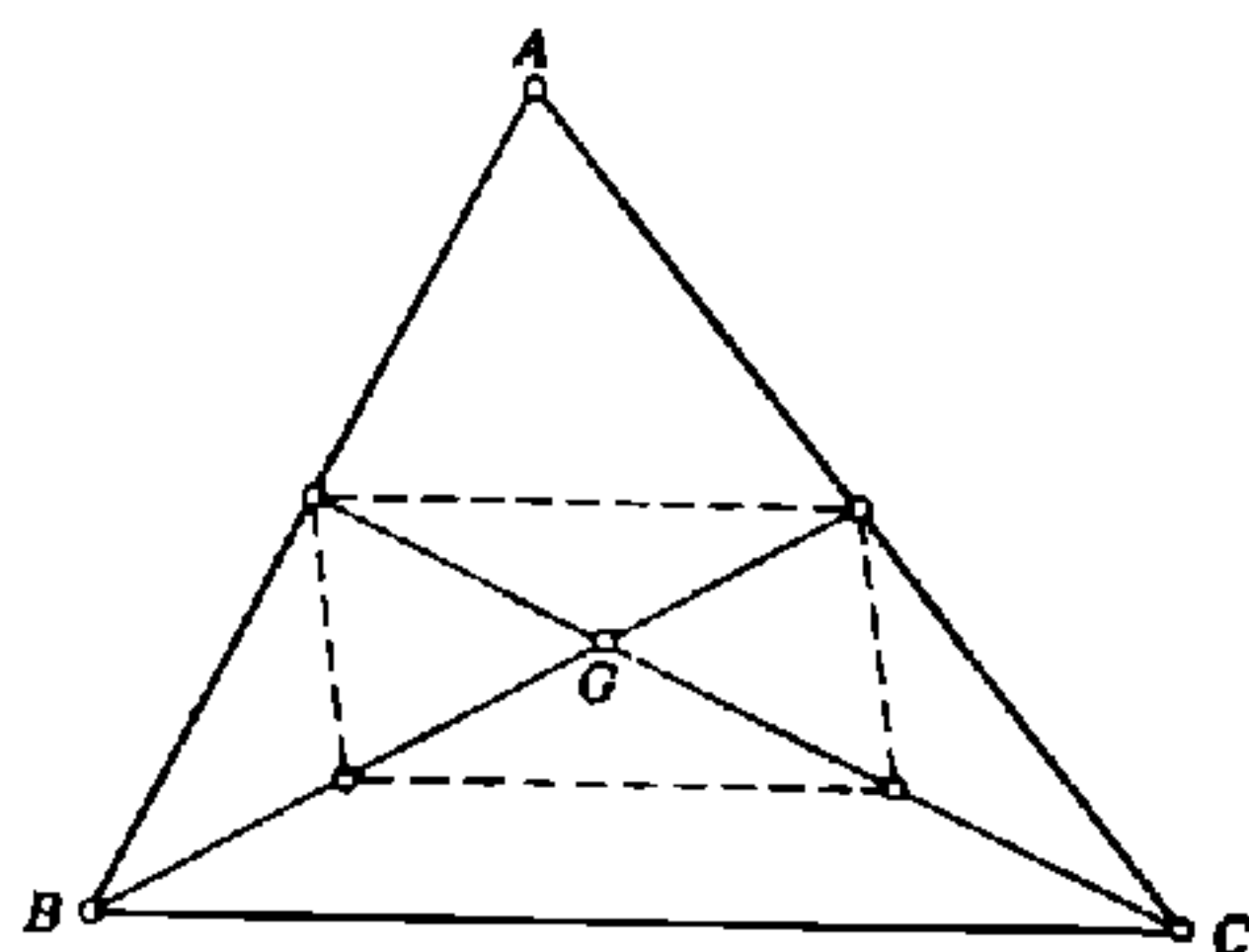
Centripetal force

نیروی جذب به مرکز

Centroid مرکز هندسی - مرکز ثقل

Centroid of a triangle

مرکز ثقل مثلث - محل تلاقی سه میانه
مثلث



Centuple صدتائی - صد برابر

Centuplicate صد برابر کردن

Century قرن - صد سال

Certain

معین - مسلم - مشخص - یقین

Certainty اطمینان - یقین

Cesaro sum

حاصل جمع چزارو - اگر s_n حاصل جمع جزئی
 n ام s_1, s_2, \dots, s_n و دنباله $\{s_n\}$ که به
صورت:

$$s_n = \frac{s_1 + s_1 + \dots + s_n}{n}, \quad n = 1, 2, \dots$$

تعریف می شود همگرا باشد آنگاه $\sum s_n$
را جمع پذیر چزارو نامیده و مقدار

$\lim_{n \rightarrow \infty} s_n$ را حاصل جمع جزاروی $\sum s_n$ می گویند.
Cesaro summability

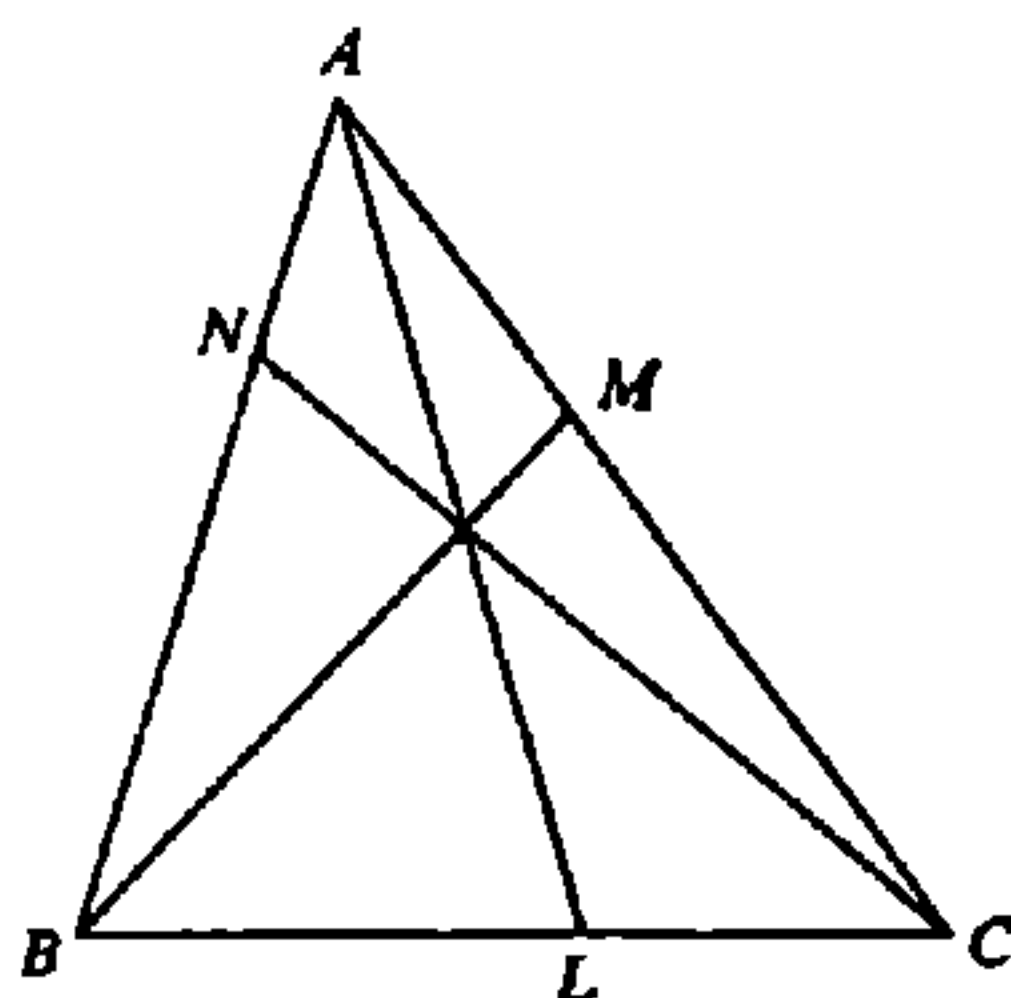
مجموع پذیری جزارو

Cesaro summable جمع پذیر جزارو

Ceva's theorem

قضیه چوا - اگر L و M و N نقاطی بر اضلاع BC و CA و AB از مثلث ABC باشند آنگاه خطوط AL و BM و CN متقارزند اگر و فقط اگر :

$$\frac{NA}{NB} \cdot \frac{LB}{LC} \cdot \frac{MC}{AM} = 1$$



Cevian

خط راستی که از رأس مثلث یا چهاروجهی گذشته و ضلع یا وجه مقابل را قطع کند .

Chain زنجیر - زنجیر کردن

Chain derivatives مشتقات زنجیری

Chain rule قاعده زنجیری -

$$\left(\frac{d}{dx}\right) f(g(x)) = f'(g(x)) \cdot g'(x)$$

Chain rule for derivatives

قاعده زنجیری برای مشتقات

Chain rule for real functions

قاعده زنجیری برای توابع حقیقی

Chance

شانس - اتفاق - بخت - تصادف

Change

تغییر - تغییر کردن - تغییر دادن

Changeable قابل تغییر - تغییر پذیر

Changeful تغییر پذیر - بی ثبات

Change of coordinates تغییر مختصات

Change of parameter تغییر پارامتر

Change of rate

تغییر میزان - تغییر نسبت

Change of variable تغییر متغیر

Change of variable in a Riemann integral

تغییر متغیر در انتگرال ریمان - اگر تابع g بر فاصله $[a, b]$ دارای مشتق پیوسته g' بوده و f بر $g([a, b])$ پیوسته باشد آنگاه

$$\int_a^b f(g(t))g'(t)dt$$

موجود بوده و

$$\int_{g(a)}^{g(b)} f(x)dx = \int_a^b f(g(t))g'(t)dt$$

Channel کانال - ترعه - مجرا

Chapter فصل - باب - بخش

Character خصلت - مشخصه

Characteristic مشخصه - ویژگی

Characteristic equation

معادله مشخصه - اگر A ماتریسی مربع باشد آنگاه معادله :

$$f(\lambda) = \det(A - \lambda I) = 0$$

را معادله مشخصه A می نامند .

Characteristic of a logarithm

مفسر لگاریتم

Characteristic polynomial

چند جمله‌ای مشخصه - چند جمله‌ای مشخصه، ماتریس مربع A عبارتست از:

$$f(\lambda) = \det(A - \lambda I)$$

Characteristic root

ریشه، مشخصه - مقدار ویژه - برای ماتریس مربع A هر یک از ریشه‌های $\det(A - \lambda I) = 0$ را یک ریشه، مشخصه، A می‌نامند.

Characteristic vector بردار ویژه

Characterize

مشخص کردن - توصیف کردن

Charge بار - بر کردن

Chart

ترسیم آماری - نقشه - نمودار - جدول

Chebyshev's differential equation

معادله، دیفرانسیل چبی شف - معادله:

$$(1-x^2)f''(x) - xf'(x) + n^2f(x) = 0$$

Chebyshev inequality

نامساوی چبی شف - اگر X یک متغیر تصادفی با میانگین μ و پراش σ^2 باشد آنگاه به ازاء هر $\epsilon > 0$

$$P(|X - \mu| \geq \epsilon) \leq \frac{\sigma^2}{\epsilon^2}$$

Check بررسی - رسیدگی -

بررسی کردن - رسیدگی کردن

Checking بررسی - رسیدگی

Chemistry شیمی

Cheque حواله - برات - چک

Chinese remainder theorem

قضیه، باقیمانده، چینی - اگر

n_1, n_2, \dots, n_r اعداد طبیعی دو به دو متباین باشند آنگاه معادلات:

$$\begin{cases} x \equiv a_1 \pmod{n_1} \\ x \equiv a_2 \pmod{n_2} \\ \vdots \\ x \equiv a_r \pmod{n_r} \end{cases}$$

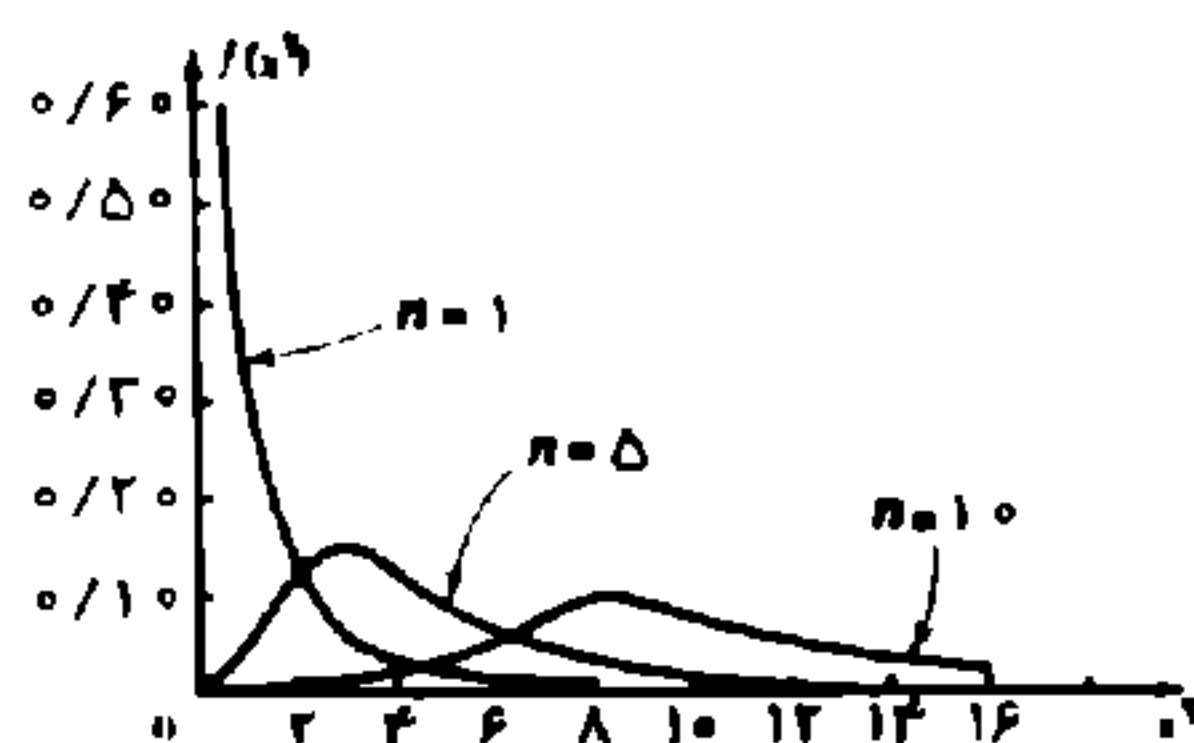
دارای جواب مشترکی هستند که در سنج $n_1 n_2 \dots n_r$ منحصر بفرد است.

Chi - square distribution

توزیع خی دو - توزیع χ^2 - گوئیم متغیر تصادفی Y دارای توزیع خی دو با n درجه آزادی است هرگاه تابع چگالی احتمال آن بصورت زیر باشد.

$$g(y) = \begin{cases} \frac{1}{2^{n/2} \Gamma(n/2)} y^{n/2-1} e^{-y/2} & (y > 0) \\ 0 & (y \leq 0) \end{cases}$$

که در آن n عددیست طبیعی.



Choice

انتخاب

Choice function

تابع انتخاب - اگر $\{A_i\}_{i \in I}$ خانواده‌ای از زیر مجموعه‌های غیر تهی β باشد آنگاه تابع β به $\{A_i\}_{i \in I}$ را با خصوصیت:

$$f(A_i) \in A_i \quad (i \in I \text{ هر } i \text{ به ازاء})$$

یک تابع انتخاب می‌گویند.

انتخاب - انتخاب کردن - گزیدن Choose

Chord

Chordal pitch

گام وتری - فاصله مستقیم الخط بین دو نقطه
متناظر از دو دندانه متوالی یک چرخ دنده

Christoffel symbols

نمادهای کریپتوفل - نمادهایی که توابع
 خصوصی از ضرایب و مشتقات مرتبه اول آنها
 را در یک فرم مجذوری نمایش می دهند .

Chronology

وقایع نگاری - علم ترتیب وقایع تاریخی

Chronometer زمان-سنج دقیق-کرونومتر

Chute سطح شیب دار - سرسره

Cipher

عدد صفر - صفر گذاردن - حروف رمزی

Circinate

قوسی

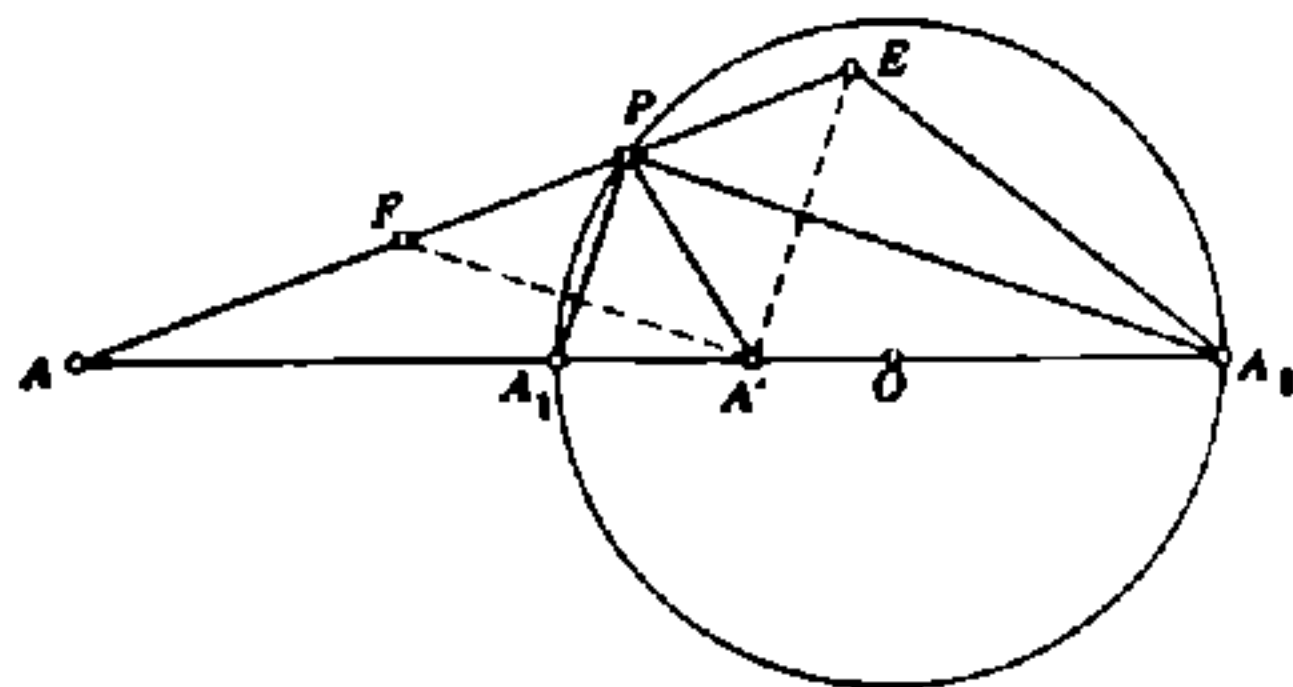
Circle

دایره - مجموعه نقاطی از صفحه که فاصله آنها از یک نقطه ثابت به نام مرکز مقدار ثابتی است .

Circle graph **نمودار مدور**

Circle of Apollonius

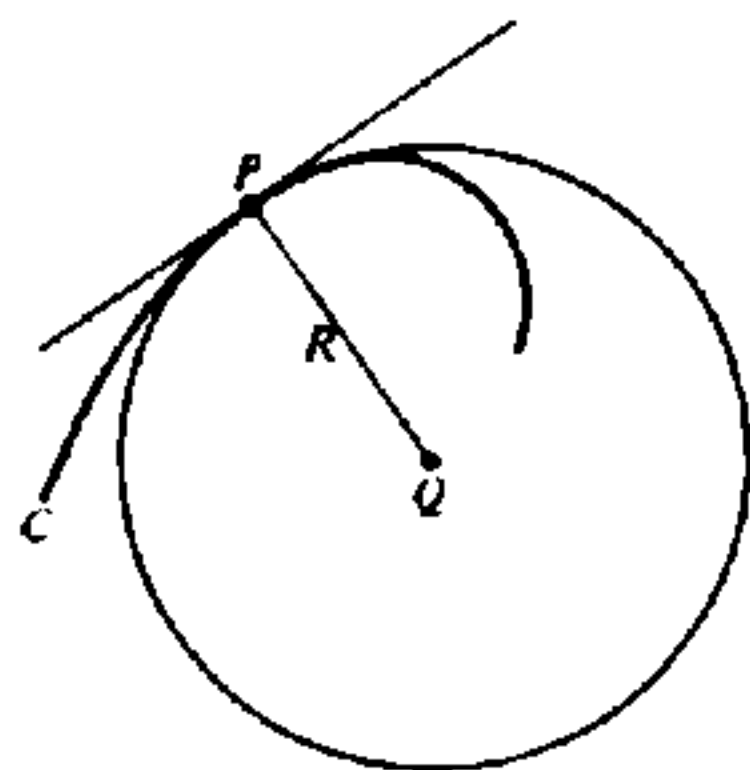
دایره آپولونیوس - اگر A و B دو نقطه متعاضد و $k \neq 1$ عددی مثبت باشد، آنگاه مکان هندسی نقاطی که در رابطه $\frac{MA}{MB} = k$ صدق می‌کنند دایره‌ای است که به دایره آپولونیوس مشهور است.



Circle of convergence

دایره همگرایی - سلسله مختلط $\sum a_n z^n$ را در نظر می‌گیریم. دایره‌ای به مرکز مبدا و شعاع R ($0 < R < \infty$) موجود است که سلسله مزبور در داخل آن همگرا و در خارج آن واگراست، این دایره را دایره همگرایی سلسله مزبور می‌نامند.

دایره انحنا، Circle of curvature



Circlet

دایره، کوچک

Circuit

دور - مدار

Circulant determinant

دترمېنان چرخشي - دترمېنان ماتريکس
چرخشي

Circulant matrix

ماتریس چرخشی - ماتریسی که عناصر هر سطر آن همان عناصر سطر قبل هستند به انتقال یک عنصر به راست و قرار دادن آخرین عنصر در اول سطر

$$\begin{bmatrix} a_1 & a_2 & \dots & a_{n-1} & a_n \\ a_2 & a_3 & \dots & a_n & a_{n+1} \\ \vdots & \vdots & & \vdots & \vdots \\ a_{n-1} & a_n & \dots & a_{2n-1} & a_{2n} \end{bmatrix}$$

Circular

دایره‌های - مدور

Circular arc کمان مدور۔ کمان، مستدیر

Circular closed region

ناحیہٴ مدور ہستہ

Circular cone مخروط دوار

Circular cylinder

استوانه دوار - جسم محدود بین دو صفحه موازی و یک سطح استوانه‌ای که سطح مقطع قائم آن دایره است.

Circular definition تعریف دوری

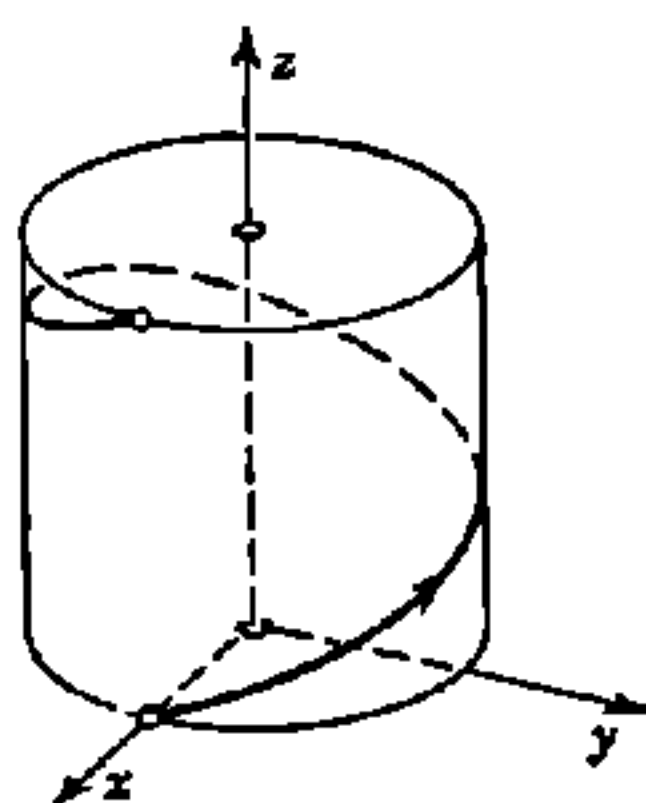
Circular disk

صفحه مدور - قرص مدور

Circular helix

مارپیچ دوار - منحنی به معادله پارامتری

$$\begin{cases} x = a \cos t \\ y = a \sin t \\ z = bt \end{cases}$$



Circularize مدور کردن - مستدیر کردن

Circular measure

اندازه زاویه بر حسب رادیان

Circular motion حرکت دورانی

Circular path مسیر مدور

Circular permutation جایگشت دوری

Circular sector قطاع مستدیر

Circular segment

قطعه دایره - قسمتی از یک دایره که محدود بین یک کمان و وتر مربوط به آن می‌باشد.

Circulating decimal

عدد اعشاری متناوب

Circulation

گردش - گردش یک سیال در مسیر بسته

Circum

پیشوند به معنای "در اطراف"، در حدود

Circumambieney احاطه

Circumambient احاطه کننده - محیط

Circumcenter مرکز دایره محیطی

Circumcenter of a triangle

مرکز دایره محیطی مثلث

Circumcircle دایره محیطی

Circumference پیرامون - محیط

Circumferential

محیطی - واقع بر محیط دایره

Circumradius شعاع دایره محیطی

Circumscribe محیط کردن

Circumscribed

محیط - یک منحنی (رویه) بسته بر یک

چند ضلعی (چند وجهی) محیط است هر

گاه هر رأس چند ضلعی (چند وجهی) بر

روی محیط منحنی (رویه) قرار گرفته، چند

ضلعی (چند وجهی) تماما "درون منحنی

(رویه) قرار گیرد - بطور مشابه می‌توان

چند ضلعی (چند وجهی) محیط بر یک

منحنی (رویه) را بوسیله معاس شدن

منحنی (رویه) بر اضلاع (وجه) چند

ضلعی (چند وجهی) تعریف کرد.

Circumscribed circle دایره محیطی

Circumscribed circle of a

دایره محیطی یک چند ضلعی polygon

Circumscribed cone of a pyramid

مخروط محیطی یک هرم

Circumscribed polygon

چند ضلعی محیطی

Circumscribed prism of a cylinder

منشور محیطی یک استوانه

Circumscribed pyramid of a cone

هرم محیطی یک مخروط

Circumscribed sphere

کره محیطی

Circumscription

حد - کران - محدودیت - تعریف - احاطه

Circumstances

شرایط محیط

Cissoid (cissoid of diocles)

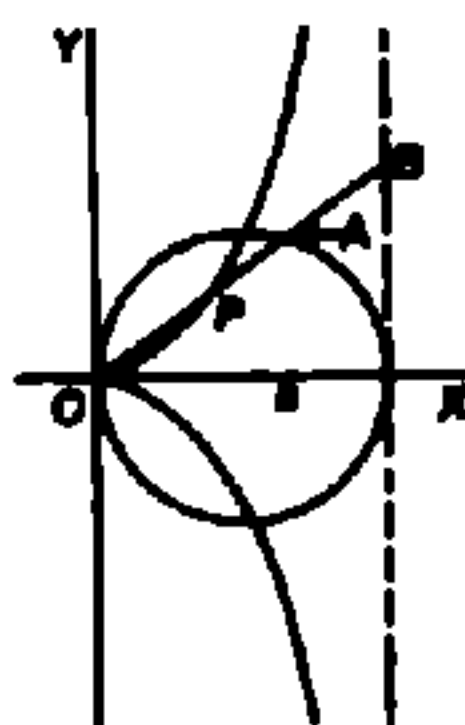
سیسوئید (سیسوئید دیوکلِس)

منحنی به معادله

$$y^2(a-x) = x^2$$

$$r = a \sin \theta \tan \theta$$

$$|OP| = |AB|$$



Clarity

وضوح

Calss

رده - طبقه - دسته - کلاس

Classic

کلاسیک

Classification

طبقه بندی - دسته بندی

Classify

دسته بندی کردن - طبقه بندی کردن

Clear

آشکار - واضح

Clearing of fractions

حذف مخرجها

Clockwise

در جهت گردش عقربه‌های ساعت

Colse

بستن - نزدیک

Closed ball

گوی بسته

Closed broken line

خط شکسته بسته

Closed curve

منحنی بسته - اگر X یک فضای توپولوژیکبوده و $f: [a, b] \rightarrow X$ یک نگاشت پیوستهباشد، آنگاه تصویر $[a, b]$ تحت f را یک

منحنی بسته گوئیم هرگاه:

$$f(a) = f(b)$$

Closed disc

گرده بسته

Closed graph theorem

قضیه نمودار بسته - اگر

۱ - X و Y دو فضای باناخ باشند۲ - $T: X \rightarrow Y$ خطی باشد۳ - مجموعه $\{(x, Tx) : x \in X\}$ در $X \times Y$ بسته باشد، آنگاه T پیوسته است.

Closed interval

فاصله بسته

Closed - loop

حلقه بسته - مدار بسته - تلویزیون مدار

بسته

Closed map

نگاشت بسته - اگر X و Y دو فضایتوپولوژیک باشند آنگاه نگاشت $f: X \rightarrow Y$

را بسته گویند هرگاه به ازاء هر مجموعه

بسته A از X ، مجموعه $f(A)$ در Y

بسته باشد.

Closed ray

شعاع بسته - اگر X مجموعه مرتبی بوده و a عضوی از X باشد آنگاه هر یک از مجموعه‌های

$$[a, +\infty) = \{x | x \geq a\}$$

$$(-\infty, a] = \{x | x \leq a\}$$

را یک شعاع بسته به مبداء a می‌گویند.

Closed region ناحیه بسته

Closed set

مجموعه بسته - مکمل یک مجموعه باز - مجموعه‌ای که شامل کلیه نقاط حدی خود است.

Closed set criterion for continuity

معیار مجموعه بسته برای پیوستگی - فرض می‌کنیم X و Y دو فضای توپولوژیک باشند. نگاشت $f: X \rightarrow Y$ پیوسته است اگر و فقط اگر به ازاء هر مجموعه بسته B از Y مجموعه $f^{-1}(B)$ در X بسته باشد.

Closed space figure

شکل فضائی بسته

Closed unit interval

فاصله بسته واحد

Closure

بستار - بست

Closure of a set

بستار یک مجموعه - اتحاد مجموعه با مجموعه نقاط حدی‌اش

Clue

راهنما - کلید - اثر - نشان - مدرک

Cluster point

نقطه انباشتگی

Co -

پیشوندی به معنای "مشترک" و یا "شریک"

Coarser topology

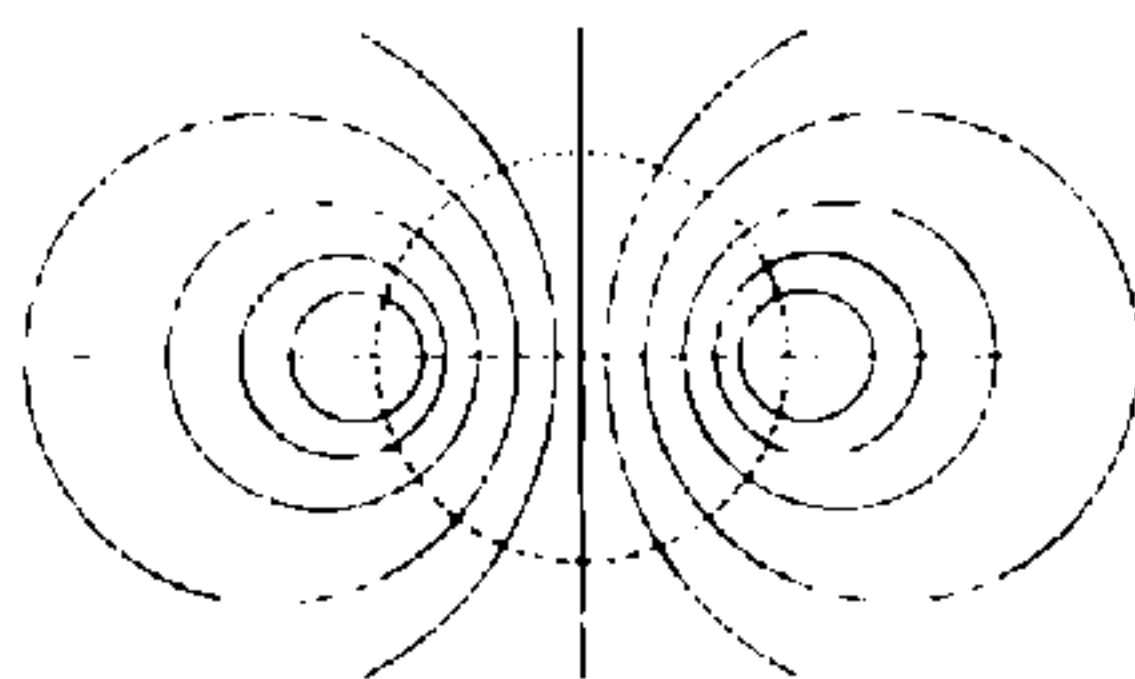
توپولوژی درشت تر - توپولوژی خشن تر - اگر T و T' دو توپولوژی بر مجموعه X باشند، آنگاه T را درشت‌تر از T' گویند هرگاه $T \subseteq T'$

Coaxial

هم محور

Coaxial circles

دوایر هم محور - دسته‌ای از دواایر که خط ثابتی محور اصلی هر زوج از آنها باشد.



Coaxial cylinders

استوانه‌های هم محور - دو استوانه دوار را هم محور گویند هرگاه محور آنها مشترک باشد.

Coaxial planes

صفحات هم محور

Code

رمز - علامت

Codimensional

هم بعد

Co - domain

هم دامنه - اگر $f: A \rightarrow B$ یک تابع باشد، آنگاه B را هم دامنه f می‌گویند.

Co - domain of a function

هم دامنه یک تابع

Coefficient

ضریب

Coefficient of friction

ضریب اصطکاک

Coefficient of restitution ضریب برگشت

Coefficient of strain

ضریب کرنش - ضریبی که برای انبساط و یا انقباض اشکال هموازاات یک محور بکار می رود.

Cofinal

هم پایان - زیر مجموعه 'C از مجموعه' مرتب D را هم پایان می نامیم هرگاه به ازای هر عنصر D عنصری بزرگتر از آن متعلق به C موجود باشد.

Cofactor of a matrix

هم عامل یک ماتریس

Cofocal

هم کانون

Cofunctions

توابع مثلثاتی متمم یک زاویه

Coherence چسبیدگی - ارتباط - وابستگی

Coherent

چسبیده - مرتبط -

وابسته - دارای ارتباط منطقی

Coil

سیم پیچ

Coin

سکه

Coincide

منطبق شدن

Coincidence

انطباق

Coincident

منطبق

Coincident configurations

اشکال منطبق

Coin - tossing

پرتاب سکه

Colatitude

متمم عرض جغرافیائی

Collapse

فرو ریختن - متلاشی شدن

Collate

مقایسه و تطبیق کردن

Collateral

پهلوی به پهلوی - متوازی

Collect

گرد آوردن - گردآوری

Collecting

گردآوری

Collection گردآیه - مجموعه - کلکسیون

Collimate

موازی قرار دادن - هم راستا کردن

Collinear هم راستا - بر یک استقامت

Collinearity هم راستائی

Collinear opposite vectors

بردارهای متقابل

Collinear points

نقاط هم راستا - نقاط واقع بر یک استقامت

Collinear vectors

بردارهای هم راستا - دو بردار \vec{a} و \vec{b}

را هم راستا گویند هرگاه یکی مضرب غیر

صفری از دیگری باشد

Collineation

هم راستائی - تبدیل T را یک هم راستائی

نامند هرگاه نقطه را به نقطه، خط را به خط

و صفحه را نیز به صفحه تبدیل کند.

Collineatory transformation

تبدیل هم راستائی - هم راستائی

Collision

برخورد - تعادم

Colog

لگاریتم

Cologarithm

لگاریتم - لگاریتم وارون یک عدد

Column

ستون

Column matrix

ماتریس ستونی

Column of a matrix

ستون یک ماتریس

Column operations عملیات ستونی

Column rank

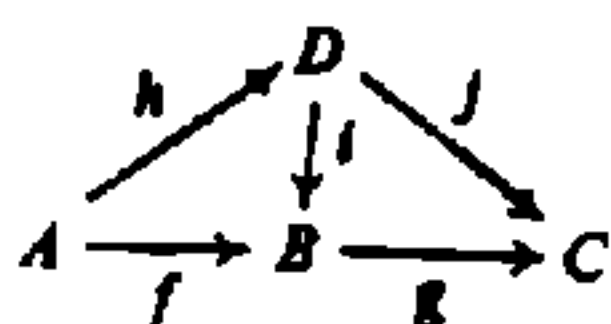
رتبه ستونی - تعداد ستونهای مستقل

فقط یک ماتریس را مرتبه ستونی آن

می نامند.

Column vector	مخرج مشترک	Common denominator
بردار ستونی - ماتریسی که تنها دارای یک ستون است .	Common difference	قدر نسبت (در تصاعد حسابی)
Colure	مقسوم علیه مشترک	Common divisor
دایره - عظیمه‌ای بر روی کره - سماوی که از قطبین می‌گذرد .	Common exterior tangent	مماس مشترک خارجی
Combination	عامل مشترک	Common factor
ترکیب - انتخاب p عنصر از عناصر یک مجموعه صرفنظر از ترتیب آنها	کسر متعارفی	Common fraction
Combination in statistics	Common interior tangent	مماس مشترک داخلی
ترکیب در آمار	Common logarithm	لگاریتم معمولی - لگاریتم در مبنای ده -
Combination with repetition	لگاریتم اعشاری	Common multiple
ترکیب بدون تکرار	مضرب مشترک	Common notions
Combination without repetition	مفاهیم متعارف - هدیهیات اولیه	Common ratio
ترکیبی	Common ratio	قدرنسبت (در تصاعد هندسی)
Combinatorial	مماس مشترک	Common tangent
Combinatorial analysis	Common tangent of two circles	مماس مشترک دو دایره
آنالیز ترکیبی	ارتباط	Communication
Combinatorics	Commutation	تبدیل - تعویض - جابجایی
ترکیبیات	Commutative	تعویض پذیر - جابجایی
Combine	Commutative diagram	نمودار جابجایی - نموداری از توابع را
ترکیب کردن - آمیختن	Common	جابجایی گویند ، هرگاه به ازاء هر دو
Combined		
مرکب - ترکیب شده		
Comb space		
فضای شانه‌ای - مجموعه :		
$C = ([0, 1] \times 0) \cup (k \times [0, 1]) \cup (0 \times [0, 1])$		
را با توپولوژی استاندارد زیر فضائی ، که در آن $T = \{ \frac{1}{n} : n = 1, 2, \dots \}$ فضای شانه‌ای گویند .		
Comma		
کاما - ویرگول		
Commensurable		
هم مقیاس		
Commensurate		
متناسب		
Common		
معمولی - مشترک		

مجموعه X و Y در نمودار هر دو مسیر از X به Y مساوی باشد. بعنوان مثال اگر:



نموداری جایجایی از توابع باشد، آنگاه:

$$g \circ f = j \circ h = g \circ i \circ h \text{ و } g \circ i = j, i \circ h = f$$

گروه جایجایی - Commutative group

گروه G را جایجایی گویند هرگاه:

$$ab = ba \quad \forall a, b \in G$$

قانون جایجایی Commutative law

Commutative law of multiplication

قانون جایجایی ضرب

Commutative law of addition

قانون جایجایی جمع

Commutative ring

حلقه جایجایی - حلقه $(R, +, \cdot)$ را

جایجایی گویند، هرگاه به از a و b

$$a \cdot b = b \cdot a, \quad R \text{ از}$$

جایجایی Commutativity

تعویض کردن - جایجا شدن Commute

Commutator

جایجاگر - جایجا گرد و عنصر a و b از

گروه G عبارتست از $a^{-1}b^{-1}ab$.

فشرده - فشرده کردن Compact

فشرده سازی Compactification

فاصله فشرده Compact interval

عمل به هم فشردن Compaction

فشردهگی Compactness

Compact - open topology

توپولوژی "فشرده - باز" - فرض می کنیم

X و Y دو فضای توپولوژیک و $C(X, Y)$

مجموعه تمام توابع پیوسته از X به Y

باشد. اگر C زیر مجموعه فشرده ای از X و

U زیر مجموعه بازی از Y باشد آنگاه

گرد آیه متشکل از مجموعه هایی به صورت:

$$S(C, U) = \{f | f \in C(X, Y), f(C) \subseteq U\}$$

زیر پایه ای برای یک توپولوژی بر $C(X, Y)$

است که آنرا "توپولوژی فشرده - باز" می نامند

Compact operator

عملگر فشرده - فرض می کنیم X و Y دو

با ناخ و $T: X \rightarrow Y$ یک عملگر خطی باشد

عملگر T را فشرده می نامند هرگاه تصویر هر

مجموعه کراندار تحت T دارای بستاری

فشرده باشد.

Compact set

مجموعه فشرده - مجموعه C را در فضای

توپولوژیک X فشرده می نامند هرگاه هر

پوشش باز C دارای یک زیر پوشش متناهی باشد.

فضای فشرده - Compact space

فضای توپولوژیکی که فشرده نیز هست.

Companion matrix

ماتریس همراه - ماتریس

$$\begin{bmatrix} 0 & 0 & 0 & \dots & 0 & -a_0 \\ 1 & 0 & 0 & \dots & 0 & -a_1 \\ 0 & 1 & 0 & \dots & 0 & -a_2 \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ 0 & 0 & 0 & \dots & 0 & -a_{n-1} \\ 0 & 0 & 0 & \dots & 1 & -a_{n-1} \end{bmatrix}$$

ماتریس همراه چند جمله ای:

$$p(t) = t^n + a_{n-1}t^{n-1} + \dots + a_1t + a_0$$

نامیده می شود.

Comparable

مقایسه پذیر

Comparable functions

توابع قابل مقایسه

Comparable sets

مجموعه‌های مقایسه پذیر - دو مجموعه 'A

و B را مقایسه پذیر گویند هرگاه $A \subseteq B$ یا $B \subseteq A$

Comparability

مقایسه پذیری

Comparative

مقایسه‌ای

Compare

مقایسه کردن - سنجیدن

Comparison

مقایسه - سنجش

Comparison property

خاصیت مقایسه

Compart

جدا کردن - تقسیم کردن

Compartment

قسمت - بخش

Compass

پرگار - قطب نما

Compass with an invariable

opening

پرگار با شعاع ثابت - پرگار بادهنه ثابت

Compatibility

سازگاری - توافق

Compatible

سازگار - موافق

Compatible distance

فاصله سازگار

Compensate

جبران کردن

Complement

مکمل - متمم

Complementary angles

زوایای متمم - دو زاویه x و y را متمم

گویند هرگاه $x + y$ قائمه باشد.

Complementary equation

معادله متمم - معادله همگن متناظر با

یک معادله دیفرانسیل خطی را معادله

متمم آن می‌نامند.

Complementary set

مجموعه مکمل

Complementary function

تابع متمم - جواب عمومی معادله متمم

Complementation

مکمل سازی - متمم سازی

Complemented

متکامل

Complemented lattice

شبکه متکامل - شبکه‌ای را متکامل گوئیم هر

گاه عناصر خاصی مانند a و b موجود

باشند بطوریکه به ازاء هر x از شبکه،

 $a \leq x \leq b$ بوده و عضوی مانند y موجود

باشد بطوریکه بزرگترین کران پایین x و

y، a و کوچکترین کران بالای x و y،

b باشد.

Complemented of a set

متمم یک مجموعه - متمم مجموعه 'A

نسبت به مجموعه مرجع X عبارتست از

مجموعه $X - A$

Complement orthogonal set

مجموعه مکمل متعامد

Complete

تمام - کامل - تمام کردن - کامل کردن

Complete lattice

شبکه کامل - یک مجموعه مرتب جزئی که

هر زیر مجموعه آن یک کوچکترین کرانه

بالا و یک بزرگترین کرانه پائین دارد.

Completely normal space

فضای کاملاً نرمال - فضای توپولوژیک X

را کاملاً نرمال گویند هرگاه هر زیر فضای

X نرمال باشد.

Completely regular space

فضای کاملاً منظم - فضای توپولوژیک X

را کاملاً "منظم" گویند هرگاه مجموعه های
 یک عضوی آن بسته بوده و برای هر $x \in X$
 و هر مجموعه "بسته" A که شامل x نباشد
 تابع پیوسته $f: X \rightarrow [0, 1]$ موجود باشد
 بطوریکه: $f(A) = \{1\}, f(x) = 0$

Complete metric space

فضای متریک کامل - فضای متریک X را کامل
 می نامیم هرگاه هر دنباله "کوشی" از نقاط آن
 به نقطه ای از X همگرا باشد.

Completeness کمال - تعامیت

Completeness axiom

اصل کمال - اصل تعامیت - هر مجموعه
 ناتهی از اعداد حقیقی که از بالا کراندار
 باشد کوچکترین کران بالا دارد.

Complete normal elliptic integrals
 انتگرالهای بیضوی نرمال کامل -

$$K(k) \equiv \int_0^{\pi/2} \frac{d\varphi}{\sqrt{1 - k^2 \sin^2 \varphi}} \equiv F(k, \frac{\pi}{2})$$

$$E(k) \equiv \int_0^{\pi/2} \sqrt{1 - k^2 \sin^2 \varphi} d\varphi \equiv E(k, \frac{\pi}{2})$$

Complete order

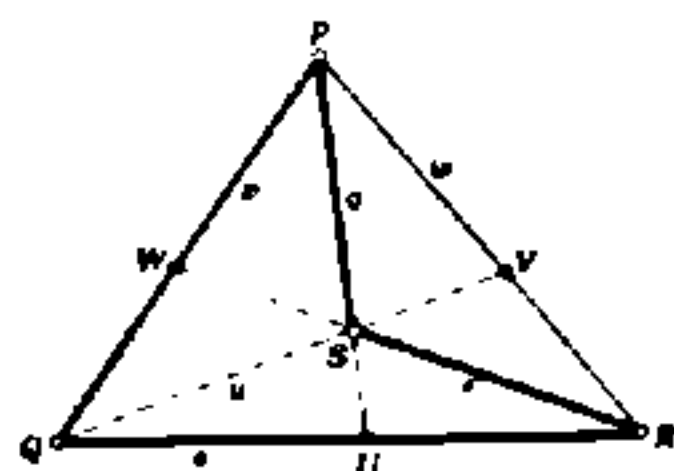
ترتیب کامل - ترتیب خطی

Complete ordered field

میدان مرتب کامل (دستگاه اعداد حقیقی)

Complete quadrilateral

چهار ضلعی کامل - چهار ضلعی PQRS
 در شکل زیر



Complete residue system

دستگاه کامل مانده ها - n عدد صحیح
 a_0, a_1, \dots, a_{n-1} را یک دستگاه کامل مانده ها
 به سنج n گوئیم هرگاه هر عدد صحیح
 دقیقاً "بایکی" از a_i ها به سنج n همبشت
 باشد.

Complete space فضای کامل

Completive کامل - تمام

Complex مختلط

Complex analysis آنالیز مختلط

Complex conjugate

مزدوج مختلط - مزدوج عدد مختلط
 $z = x + iy$ عبارتست از $\bar{z} = x - iy$

Complex exponential function

تابع نمائی مختلط

Complex field

میدان مختلط - هیئت مختلط

Complex fraction

کسر مرکب - کسری که صورت یا مخرج آن
 نیز یک کسر باشد.

Complex function تابع مختلط

Complex line integral

انتگرال خطی مختلط

Complex logarithm

لگاریتم مختلط

Complex number

عدد مختلط - اعدادی به صورت $z = a + bi$
 که در آن a و b اعدادی حقیقی هستند.

Complex number system

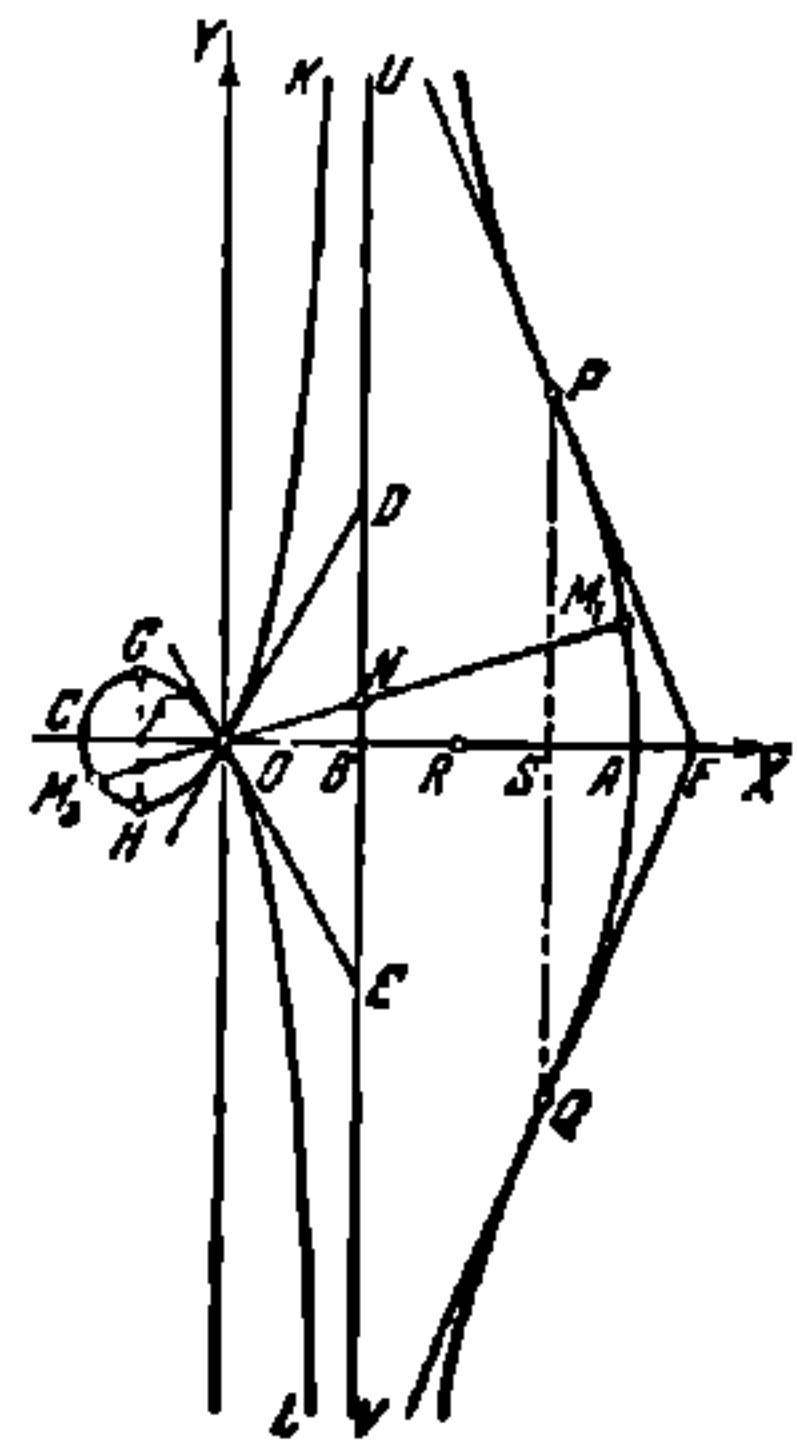
دستگاه اعداد مختلط

Complex plane صفحه مختلط

Complex power	توان مختلط	Composite sentence	گزاره مرکب - جمله مرکب
Complex unit		Composition	ترکیب
یکه مختلط - هر عدد مختلط به صورت $x^2 + y^2 = 1$ که در آن $z = x + iy$		Composition series	سلسله ترکیبی - سری ترکیبی - دنباله
Complex - valued function	تابع مختلط	متناهی G_1, G_2, \dots, G_n از زیر گروه های $G = G_1 \supset G_2 \supset \dots \supset G_n = \{e\}$ را کسره	یک سلسله ترکیبی G گوئیم هرگاه به ازاء هر i, G_{i-1} زیر گروه نرمال G_{i-1} بوده و G_{i-1}/G_i گروهی ساده باشد.
Complex variable	متغیر مختلط - متغیری که دامنه تغییرات آن زیر مجموعه ای از مجموعه اعداد مختلط باشد.	Compound	مرکب - غیر بسیط
Complex vector space	فضای برداری مختلط - فضائی برداری بر میدان اعداد مختلط	Compound event	پیشامد مرکب (در احتمالات)
Complicate	پیچیده - بفرنج	Compound interest	بهره مرکب - سود مرکب
Component	مؤلفه	Compound number	عدد مرکب - کمیتی که مجموع دو یا چند کمیت با واحدهای مختلف می باشد، مثلاً: "۱۲ و ۱۱ و ۲۵" (۲۵ درجه و ۱۱ دقیقه و ۱۲ ثانیه)
Component of a graph	مؤلفه گراف - یک زیر گراف همبند ماکسیمال از یک گراف	Compound pendulum	آونگ مرکب - پاندول مرکب
Component of a vector	مؤلفه یک بردار	Compound proposition	گزاره مرکب
Composable	قابل ترکیب	Computable	قابل محاسبه
Compose	ترکیب کردن	Computation	محاسبه - نتیجه محاسبه
Composite	مرکب	Compute	محاسبه کردن - حساب کردن
Composite fraction	کسر مرکب	Computer	رایانه - حسابگر
Composite function	تابع مرکب	Concave	مقعر - کاو
Composite number	عدد مرکب - عدد غیر اول		
Composite proportion	تناسب مرکب		
Composite radical	رادیکال مرکب - ریشه مرکب		

Concave angle	زاویهٔ مقعر
Concave downward	مقعر به طرف پائین
Concave function	تابع مقعر - قرینهٔ یک تابع محدب
Concave polygon	چند ضلعی کاو - یک چند ضلعی را که لاقط یکی از زوایای آن کاو باشد چند ضلعی کاو گویند.
Concave upward	مقعر به طرف بالا
Concavity	تقعر - کاوی
Concavo - concavo	مقعر الطرفین - از دو سو کاو
Concavo - convex	"مقعر، محدب" - "کاو، کوژ"
Conceive	تصور کردن - پنداشتن
Concentrate	متمرکز کردن - تمرکز دادن
Concentrated	متمرکز
Concentration	تمرکز
Concentrative	تمرکز دهنده - تمرکزی
Concentrator	متمرکز کننده
Concentric	متحدالمرکز - هم مرکز
Concentrically	بطور متحدالمرکز - بطور هم مرکز
Concentric circles	دوایر هم مرکز - دواپری که در یک صفحه بوده و دارای یک مرکز هستند.
Concept	مفهوم - پنداره
Conceptual	تصوری - ادراکی - پنداری

conchoid curve	منحنی صدفی
Conchoid of Nicomedes	صدفی نیکومدس - خط UV و نقطهٔ O را خارج آن در نظر گرفته و گیریم l پاره خطی دلخواه باشد. از نقطهٔ O به نقطهٔ N واقع بر خط UV وصل نموده و بر ON پاره خط NM_1 و NM_2 را ماوی با l در دو طرف N جدا می‌کنیم. مکان هندسی نقاط M_1 و M_2 را صدفی نیکومدس می‌نامند که اگر O را مبدأ مختصات، a را فاصلهٔ O از U و محور x ها را در امتداد شعاع OB اختیار کنیم آنگاه معادلهٔ آن بصورت ذیل خواهد بود:



Conclude	نتیجه گرفتن - خاتمه دادن
Conclusion	نتیجه
Concordance	توافق
Concrete number	عدد مقید - عددی که به شیء یا واحد خاصی منسوب می‌گردد، مانند ۳ نفر یا ۳ متر

Concur	مقارب شدن - از یک نقطه گذشتن	Conductor	هادی - هدایت کننده
Concurrent	مقارب (هندسه)	Cone	مخروط
Concurrent lines	خطوط مقارب	Cone of revolution	مخروط دوار - سطح حاصل از دوران یک خط حول خطی متقاطع با آن
Concyclic	هم دایره	Confidence coefficient	ضریب اطمینان
Concyclic points	نقاط هم دایره	Confidence interval	فاصله اطمینان
Condensation	تراکم	Confidence level	درجه اطمینان
Condensation point	نقطه تراکم - در فضای توپولوژیک X	Confidence region	ناحیه اطمینان
	گوئیم نقطه P یک نقطه تراکم مجموعه $E \subseteq X$ است هرگاه هر همسایگی نقطه P شامل تعداد شمارش ناپذیری از نقاط E باشد.	Configuration	پیکربندی - پیکره
Condensation test	آزمون تراکم		هیئت - ساختمانی از عناصر هندسی
Condense	هم چگال کردن - متراکم کردن - فشرده کردن - تغلیظ کردن	Confirm	تثبیت کردن - تأیید کردن
Condensed	چگالیده	Confluence	هم جریانی - هم ریزی
Condenser	چگالنده	Confluent	هم ریز - هم جریان
Condition	شرط	Confluent hypergeometric function	تابع فوق هندسی هم جریان - هر جواب معادله دیفرانسیل:
Conditional	شرطی - مشروط	$z \left(\frac{d^2 w}{dz^2} \right) + (\rho - z) \left(\frac{dw}{dz} \right) - \alpha w = 0$	
Conditionally convergent	همگرای شرطی	Confocal	هم کانون
Conditionally convergent series	سلسله همگرای مشروط - سلسله همگرای $\sum_{n=1}^{\infty} a_n$ را همگرای مشروط گویند هرگاه $\sum_{n=1}^{\infty} a_n $ واگرا باشد.	Confocal conics	مقاطع مخروطی هم کانون
Conditionally independent	مستقل شرطی	Conform	مطابقت کردن - وفق دادن
Conditional statement	گزاره شرطی	Conformable	قابل تطبیق
Conduce	هدایت کردن	Conformal	همدیس
Conduction	هدایت - رسانائی	Conformal mapping	نگاشت همدیس - تبدیل حافظ زاویه
Conductivity	قابلیت هدایت	Conformal representation	نمایش مطابق - نمایش هم شکل

Conformal transformation

تبدیل هم‌دیس - تبدیل حافظ زاویه

Conformity

هم‌دیی

Congruence

هم‌نهشتی - قابلیت انطباق

Congruency

هم‌نهشتی - قابلیت انطباق

Congruent

هم‌نهشت - هم ارز

Congruent figures

اشکال قابل انطباق - گوئیم دو شکل هندسی

قابل انطباق اند هرگاه به وسیله تبدیلات

صلب بتوان یکی را بر دیگری منطبق نمود.

Congruent matrices

ماتریسهای هم‌نهشت یا ماتریسهای مشابه

Congruent numbers

اعداد هم‌نهشت - گوئیم اعداد صحیح a و b در سنج n هم‌نهشت یکدیگرند هرگاه

$$n \mid (b - a)$$

Conic

مخروطی - مقطع مخروطی

Conical

مخروطی شکل - مخروطی

Conical helix

مارپیچ مخروطی - منحنی به معادله

پارامتری

$$\begin{cases} x = t \cos at \\ y = t \sin at \\ z = bt \end{cases} \quad t \in R$$

Conical surface

رویه مخروطی - رویه‌ای متشکل از خطوط

مار بر محیط یک منحنی مسطح و یک نقطه

ثابت در خارج صفحه آن

Conic equation

معادله مخروطی - معادله هر یک از مقاطع

مخروطی

$$AX^2 + 2BXY + CY^2 + DX + EY + F = 0$$

Conic

مخروط کوچک

Conicoid

کنیکوئید - سهمی گون - هذلولی گون -

بیضی گون

Conic screw line

مارپیچ مخروطی

Conic section

مقطع مخروطی - هر منحنی که از تقاطع یک

صفحه با یک سطح مخروطی بدست می‌آید.

انواع مقاطع مخروطی عبارتند از: دایره،

بیضی، سهمی و هذلولی

Conjecture

گمان - حدس - حدس زدن

Conjugate

مزدوج

Conjugate axis

محور مزدوج - خط گذرنده از مرکز بیضی یا

هذلولی که بر پاره خط واصل بین دو کانون

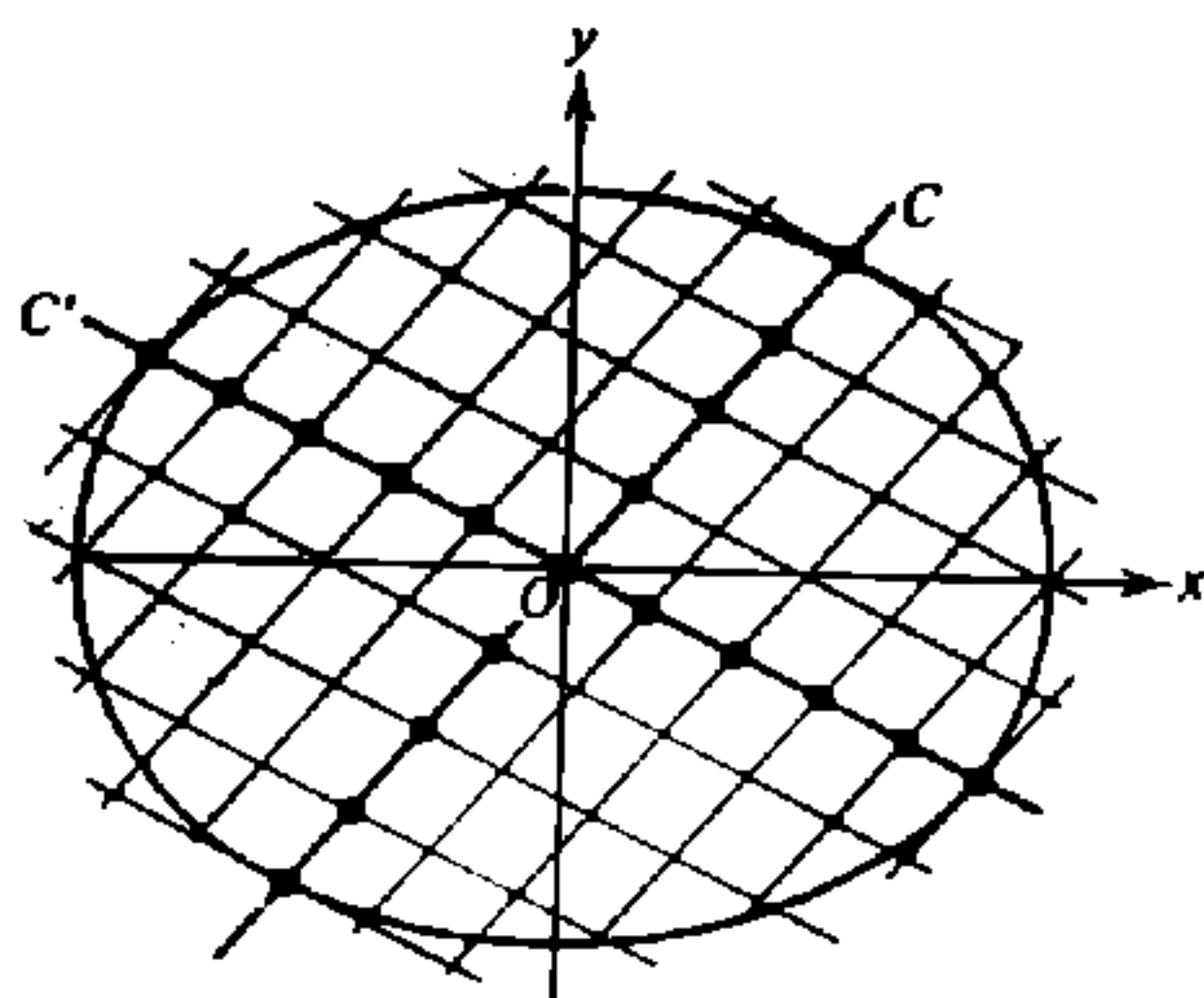
عمود باشد.

Conjugate diameters

اقطار مزدوج - در یک مقطع مخروطی دو قطر

را مزدوج گوئیم اگر هر یک تمام وترهای

موازی دیگری را نصف کند.



Conjugate group elements

اعضای مزدوج گروه — در گروه G دو عضو x و x' را مزدوج گویند هرگاه عضوی از G مانند a موجود باشد بطوریکه:

$$x' = a^{-1}xa$$

Conjugate harmonic functions

توابع همساز مزدوج — دو تابع $u(x, y)$ و $v(x, y)$ را در حوزه D همساز مزدوج گویند هرگاه در این حوزه توابع $u(x, y)$ و $v(x, y)$ همساز بوده و $u(x, y) + iv(x, y)$ تابعی تحلیلی از متغیر $z = x + iy$ باشد.

Conjugate hyperbolas

هذلولیهای مزدوج — دو هذلولی که دارای مجانبهای یکسان بوده و محورهای قاطع و غیر قاطع آنها عوض شده باشند.

Conjugate hyperboloids

هذلولوی های مزدوج

Conjugate of a complex number

مزدوج یک عدد مختلط

Conjugate radicals

رادیکالهای مزدوج — اعداد اصم دو جمله‌ای به صورت $a\sqrt{b} + c\sqrt{d}$ و $a\sqrt{b} - c\sqrt{d}$ که در آن \sqrt{b} و \sqrt{d} هر دو با هم گویا نیستند ولی a و b و c و d همگی گویا هستند.

Conjugate roots

ریشه‌های مزدوج — دو عدد مختلط که مزدوج مختلط یکدیگر بوده و هر دو ریشه یک معادله می‌باشند.

Conjugate space

فضای مزدوج — فضای تمام تابعی‌های خطی تعریف شده بر روی یک فضای برداری

Conjugate subgroups

زیرگروه‌های مزدوج — دو زیرگروه G_1 و G_2 از گروه G را مزدوج گویند هرگاه عضوی از G مانند a موجود باشد بطوریکه

$$G_2 = a^{-1}G_1a$$

Conjugation مزدوجی — ازدواج

Conjunction

ترکیب عطفی — گزاره مرکب از دو گزاره به وسیله لفظ "و" را ترکیب عطفی اولی با دومی می‌نامیم و این ترکیب راست است اگر و فقط اگر هر یک از دو گزاره اولیه راست باشد.

Conjunctive composition

ترکیب ربطی

Conjunctive matrices

ماتریسهای ربطی — اگر T مزدوج هرمیتی ماتریس نامنفرد T باشد آنگاه دو ماتریس A و B را که در رابطه $B = T^*AT$ صدق می‌کند ماتریسهای ربطی می‌نامیم.

Conjunctive normal form

صورت نرمال عطفی — اسمنای \mathcal{E} از جبر بول \mathcal{B} را، که از متغیرهای x_1, \dots, x_n ساخته شده است، به صورت نرمال عطفی نامند هرگاه حاصلضرب مجموعه‌ای به صورت $\beta_1 + \beta_2 + \dots + \beta_k$ باشد که هر β_i برابر x_i یا x'_i است.

Connected همینند

Connected domain ناحیه همینند

Connected set

مجموعه همینند — مجموعه مرتبط — مجموعه C از فضای توپولوژیک X همینند

است هرگاه مجموعه‌های ناتهی A و B موجود نباشند بطوریکه:	Consistent سازگار
$C = A \cup B$, $A \cap B = \emptyset$, $A \cap B = \emptyset$	Consistent factor عامل سازگار
که در آن A و B به ترتیب بستارهای A و B می‌باشند.	Consistent equations معادلات سازگار - معادلاتی که دارای جواب مشترک هستند.
Connectedness همبندی	Consistency سازگاری - گوئیم یک نظریه ریاضی سازگار است اگر مبرا از تناقض باشد.
Connected surface رویه همبند	Consistant ثابت
Connection اتصال - ارتباط	Constant function تابع ثابت - تابع $f: A \rightarrow B$ را ثابت گویند هرگاه عضوی از B مانند b موجود باشد بطوریکه به ازاء هر a از A , $f(a) = b$.
Connective رابط (منطقی)	Constant of integration ثابت انتگرالگیری - اگر $F(x)$ یک تابع اولیه $f(x)$ باشد آنگاه $\int f(x)dx = F(x) + c$ که عدد c را ثابت انتگرالگیری می‌گویند.
Connectivity همبندی	Constituent جزء اصلی - سازنده - انتخاب کننده
Connectivity number عدد هم بندی - تعداد نقاطی که می‌توان از یک منحنی حذف نمود بدون آنکه آنرا به بیش از یک تکه تقسیم کند به علاوه یک.	Constitute تشکیل دادن - تأسیس کردن - ترکیب کردن
Connector رابط	Constraint نهد - محدودیت
Conoid مخروط گون	Construct ساختن - رسم کردن
Consecutive متوالی - پی در پی - پیاپی	Constructible ساختنی - قابل ساخت - ساخت پذیر
Consequence پیامد - نتیجه	Constructible number عدد ساختنی - عدد حقیقی a را ساختنی گویند هرگاه، به فرض معلوم بودن طول واحد، و تنها با استفاده از خط کش و پرگار بتوان پاره خطی به طول a ساخت.
Consequent تالی (گزاره شرطی) - جواب شرط	Construction ساختمان - ترسیم - رسم
Consequently در نتیجه	
Conservation بقاء - حفظ	
Conservation law قانون بقاء - اصل بقاء	
Conservative system دستگاه حافظ انرژی	
Conserve نگهداشتن - حفظ کردن	
Consider در نظر گرفتن	
Consideration ملاحظه - توجه	
Consist شامل بودن - مشتمل بودن	

Construction with compass

and ruler ترسیم با پرگار و خط کش

Constructive ساختنی

Constructive method

روش ساختمانی - روش سازنده

Contact تماس - برخورد

Contain شامل - مشتمل - شامل بودن

Content

محتوی - گنجایش - فهرست مطالب

Content of a polynomial

محتوای چند جمله‌ای - بنابه تعریف محتوای

چند جمله‌ای $f(x) = a_0 + a_1x + \dots + a_nx^n$

که در آن a_i ها اعدادی صحیح می‌باشند ،

عبارت است از بزرگترین مقسوم علیه مشترک

a_0, a_1, \dots, a_n .

Conterminal هم مرز

Contextual definition تعریف ضمنی

Contiguous

مجاور - نزدیک - پیوسته - متصل

Contingency احتمال

Contingency table جدول احتمالات

Continuation تعدید - ادامه

Continue ادامه دادن

Continued متصل - پیوسته

Continued - fraction

کسر ملل - کسرهای پایاندار یا بی پایانی

به صورت :

$$a_0 + \frac{1}{a_1 + \frac{1}{a_2 + \frac{1}{a_3 + \dots}}}$$

Continued - fraction expansion

بسط به کسر ملل

Continued product

حاصلضرب مسلسل - حاصلضرب سه یا

تعداد بیشتری عامل - حاصلضرب تعداد

نامتناهی عامل

Continuity پیوستگی - اتصال - تداوم

Continuous پیوسته - متصل

Continuous at a point

پیوسته در یک نقطه - فرض می‌کنیم X و

Y دو فضای توپولوژیک باشند . گوئیم

تابع $F: X \rightarrow Y$ در نقطه $x_0 \in X$ پیوسته

است هرگاه برای هر همایی V از $F(x_0)$

همایی U از X موجود باشد بطوریکه

$$F(U) \subseteq V$$

منحنی پیوسته Continuous curve

Continuous decision processes

فرآیندهای تصمیمی پیوسته - در مسائل

بهینه سازی وقتی که بتوان در هر لحظه

تصمیم گیری کرد .

Continuous extension

توسیع پیوسته - اگر $f: A \rightarrow B$ تابعی پیوسته

و $A \subset C$ باشد ، گوئیم تابع $g: C \rightarrow B$ یک

توسیع پیوسته f است هرگاه g پیوسته

بوده و تحدید تابع g به مجموعه A برابر

f باشد .

Continuous function

تابع پیوسته - فرض می‌کنیم X و Y دو فضای

توپولوژیک باشند تابع $f: X \rightarrow Y$ را پیوسته

می‌نامیم هرگاه به ازاء هر مجموعه V باز

در Y مجموعه $f^{-1}(V)$ در X باز باشد .

Continuous geometry

هندسه پیوسته - تعمیمی از هندسه تصویری

Continuous image

تصویر پیوسته - تصویر یک مجموعه تحت
یک تابع پیوسته

Continuous map نگاشت پیوسته

Continuous random variable

متغیر تصادفی پیوسته

Continuous spectrum طیف پیوسته

Continuum

پیوستار - مجموعه‌ای فشرده و هم‌بند

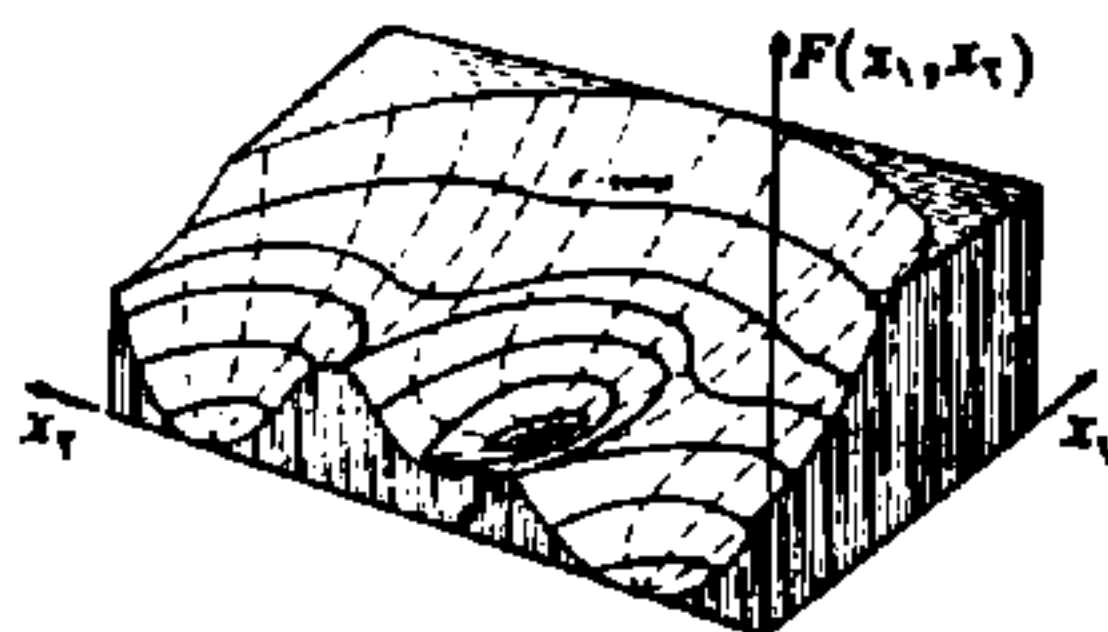
Continuum hypothesis

فرضیه پیوستار - هیچ مجموعه‌ای وجود
ندارد که تعداد اعضای آن از تعداد اعضای
مجموعه اعداد طبیعی بیشتر و از تعداد
اعضای مجموعه اعداد حقیقی کمتر باشد.

Contour

کانتور - منحنی بسته ساده - یک خم
پارامتریزه $C: [a, b] \rightarrow R^2$ را که در
 (a, b) یک به یک بوده و $C(a) = C(b)$
باشد یک خم بسته ساده یا یک کانتور می‌نامیم
در صورتیکه C یک خم هموار باشد.

Contour curves منحنیهای تراز



Contour integral

انتگرال روی منحنی بسته ساده

Contracted Riemann - christoffel
tensor

تانسور ریمان کریستوفل منقبض شده

Contraction

انقباض - تابع $X \rightarrow X$ را که در آن X
یک فضای متریک است یک انقباض می‌نامیم
اگر یک $0 < c < 1$ موجود باشد بطوریکه:

$$d(\varphi(x), \varphi(y)) \leq cd(x, y) \quad \forall x, y \in X$$

Contradiction تناقض

Contradictory متناقض

Contradictory statements

گزاره‌های متناقض

Contragredient matrix

ماتریس وارون ترانهاده - ماتریس $(A^T)^{-1}$
را ماتریس وارون ترانهاده ماتریس A
گویند.

Contrapositive

عکس نقیض - عکس نقیض ترکیب شرطی
"اگر b ، آنگاه p عبارتست از" اگر $q \sim p$
آنگاه $p \sim q$. لازم به تذکر است که هر گزاره
شرطی با عکس نقیض خود معادل است.

Contrariwise برعکس

Contrary

مخالف - معکوس - مقابل - خلاف

Contribution همکاری و کمک - سهم

Control chart نمودار کنترل

Controllability کنترل پذیری

Convector هم بردار

Convention قرارداد - همایش

Converge

همگرا شدن - متقارب شدن

Convergence همگرایی - تقارب

Convergence in a metric space

همگرایی در یک فضای متریک

Convergence of a sequence

همگرایی یک دنباله

Convergence of series

همگرایی سلسله ها

Convergence tests

آزمونهای همگرایی

Convergent

همگرا - متقارب

Convergent integral

انتگرال همگرا - انتگرال ناسره‌ای که دارای مقداری متناهی باشد .

Convergent product

حاصلضرب همگرا

Convergent sequence

دنباله، همگرا - دنباله‌ای که دارای حد است

Convergent series

سلسله، همگرا - سلسله‌ای که دنباله، مجموعه‌های جزئی آن همگراست .

Converse

عکس - عکس عبارت " اگر p ، آنگاه q " عبارتست از " اگر q ، آنگاه p " .

Converse domain

دامنه، وارون - اگر f یک رابطه باشد آنگاه مجموعه $\{(x, y) \in f \mid \exists x\}$ را دامنه، وارون f می‌نامند .

Converse of a relation

عکس یک رابطه

Converse of a theorem

عکس یک قضیه

Conversely

برعکس

Conversion

تغییر حالت - تحویل - تبدیل

Conversion factor

ضریب تبدیل - یک ضریب عددی که باید در کمیتی بهمان شده بر حسب یک واحد ضرب شود تا آن کمیت را بر حسب واحدی دیگر نمایش دهد .

Conversion ratio

ضریب تبدیل

Conversion table

جدول تبدیل - جدول تبدیل واحد دستگاههای متفاوت به یکدیگر

Convert

تغییر کردن - تحویل کردن - تبدیل کردن - معکوس کردن

Convertible

قابل تبدیل - تغییر پذیر - تحویل پذیر

Convex

محدب - کوژ

Convex function

تابع محدب - تابع حقیقی f را روی فاصله I محدب می‌نامیم هرگاه:

$$f(\lambda x + (1 - \lambda)y) \leq \lambda f(x) + (1 - \lambda)f(y) \\ (\forall x, y \in I, \forall \lambda \in [0, 1])$$

Convex hull

پیوسته، کوژ - کوچکترین مجموعه کوژ شامل یک مجموعه را پیوسته، کوژ آن مجموعه می‌نامند.

Convexity

تحدب - کوژی

Convex linear combination

ترکیب خطی محدب - یک ترکیب خطی محدب از بردارهای x_1, x_2, \dots, x_n عبارتست بصورت $\sum_{i=1}^n \lambda_i x_i$ می‌باشد که در آن λ_i ها اعدادی نامنفی بوده و $\sum_{i=1}^n \lambda_i = 1$

Convex linear hull

پیوسته، خطی کوژ - پیوسته، کوژ

Convexo - concave

"محدب، مقعر" - "کوز، کاو"

Convexo - convex

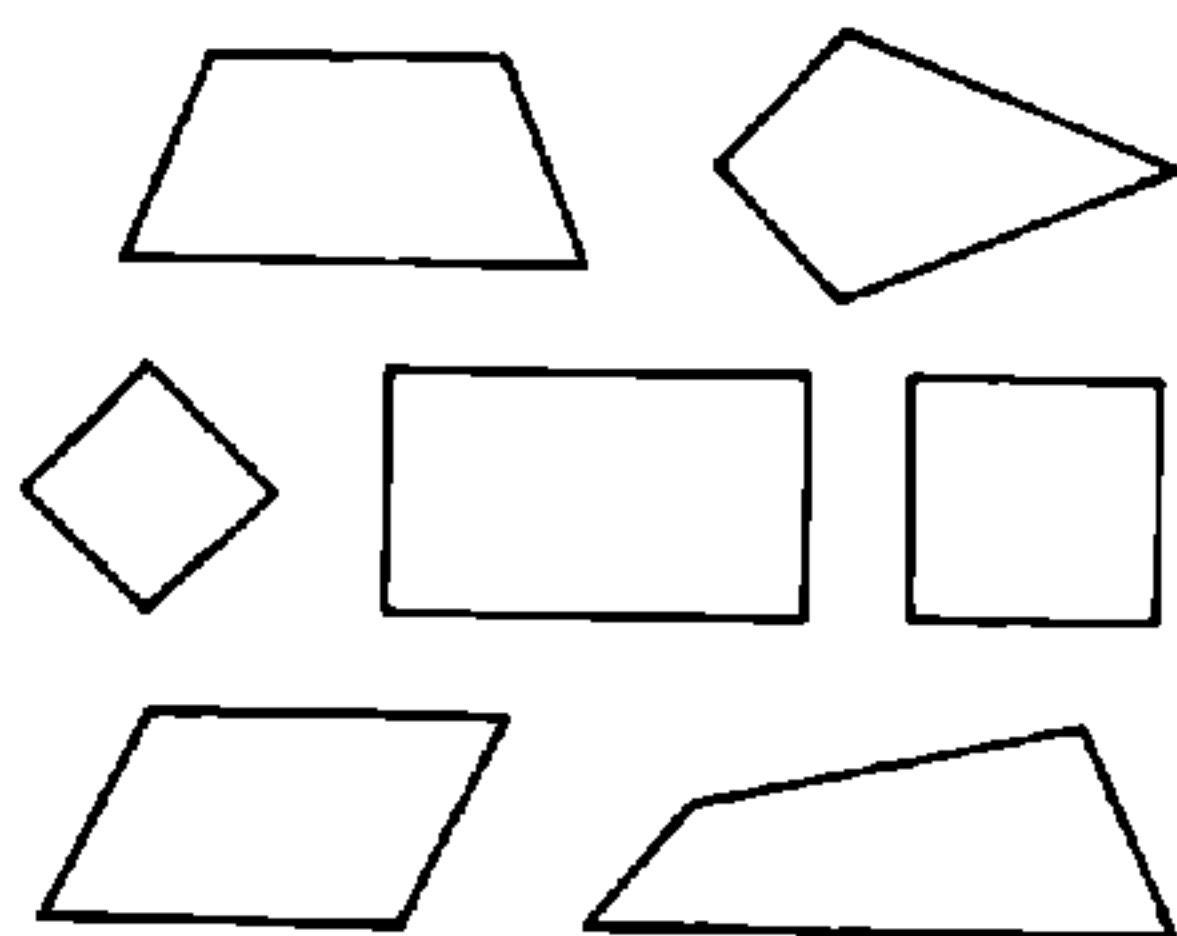
محدب الطرفین - از دو سو کوز

Convex polygon

چند ضلعی کوز - یک چند ضلعی را کوز می‌نامیم هرگاه مجموعه نقاط درونی آن کوز باشد.

Convex quadrilaterals

چهارضلعی‌های کوز



Convex region

ناحیه محدب

Convex set

مجموعه کوز - مجموعه محدب - مجموعه ای که پاره خط واصل بین هر دو نقطه خود را شامل باشد.

Convex surface

سطح محدب - رویه کوز

Convolution

پیچیدگی - پیچش - چرخش - تلفیق

Convolution formula

دستور تلفیق

Convolution of two functions

حاصلضرب تلفیقی دو تابع - گوئیم $H(x)$ حاصلضرب تلفیقی دو تابع $f(x)$ و $g(x)$ است هرگاه:

$$H(x) = \int_{-\infty}^{+\infty} f(t)g(x-t)dt$$

Coordinate axes

محورهای مختصات - مجموعه خطوط و یا منحنیهایی که یک دستگاه مختصات را تعریف می‌کنند.

Coordinate axis

محور مختصات

Coordinates

مختصات

Coordinate system

دستگاه مختصات - قانونی برای نمایش یک نقطه در فضا بوسیله مجموعه مرتبی از اعداد

Coordinate transformation

تبدیل مختصات

Copernican theory

نظریه کوپرنیک

Coplanar points

نقاط هم صفحه

Coprime

هم صفحه

Coprime

متباین

Coprime numbers

اعداد متباین

Core

مغز - هسته

Corner

گوشه - کنج

Cornered

گوشه دار - زاویه دار

Cornu's spiral

مارپیچ کارنو - منحنی مسطحی به معادلات پارامتری

$$x = \int_0^s \cos \frac{1}{4}t^2 dt, \quad y = \int_0^s \sin \frac{1}{4}t^2 dt$$



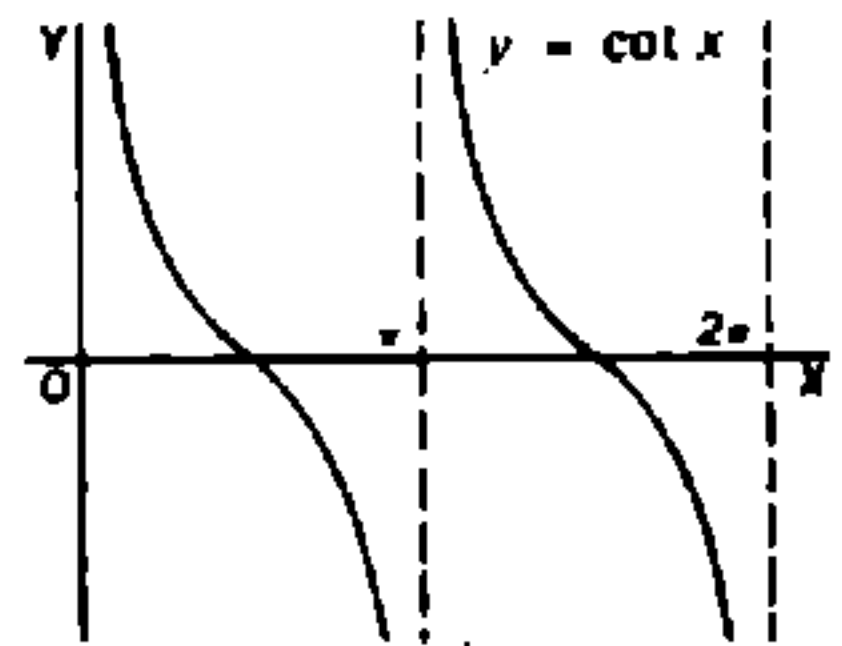
Corollary قضیه* فرعی - نتیجه
 Correct صحیح - تصحیح کردن
 Correction تصحیح
 Correction factor عامل تصحیح - ضریب تصحیح
 Correctness صحت - درستی
 Correct to n places صحیح تا n رقم
 Correlate همبستگی داشتن - هم بسته بودن - وابسته بودن
 Correlated هم بسته - وابسته
 Correlation همبستگی
 Correlation coefficient ضریب همبستگی
 Correlogram نمودار همبستگی
 Correspond مطابق بودن - متناظر بودن
 Correspondence تناظر - تطابق
 Correspondent متناظر
 Corresponding متناظر
 Corresponding angles زوایای متناظر
 Corresponding elements اجزاء متناظر
 Corresponding elements of two similar triangles اجزاء متناظر دو مثلث متشابه
 Corresponding sides اضلاع متناظر
 Corresponding values مقادیر متناظر
 Corresponding vertices رئوس متناظر

Cosecant کسکانت - عکس سینوس

$$\operatorname{cosec} X = \frac{1}{\sin X}$$

 Coset هم‌دسته
 Cosine کسینوس - جیب تمام
 Cosine curve منحنی کسینوس
 Cosine integral انتگرال کسینوسی - تابع

$$CI(x) = \int_0^x \frac{\cos t}{t} dt \quad (x > 0)$$

 Cosmography شرح جهان - کیهان نگاری
 Cost formula فرمول تعیین ارزش - فرمول تعیین بها
 Cost function تابع ارزش - تابع بها
 Cotangent curve منحنی کتانژانت

 Coterminous هم کرانه - هم مرز
 Count شمردن - حساب کردن - شمارش
 Countability axiom اصل موضوع شمارش پذیری
 Countable شمارا - شمارش پذیر
 Countable collection گردآیه شمارا
 Countable set مجموعه شمارش پذیر - مجموعه شمارا

Countably additive	پوشاندن	Cover
ب‌طور شمارا جمعی - شمارا جمعی	پوشش	Covering
Countably compact set	پوشش یک مجموعه	Covering of a set
مجموعه، ب‌طور شمارا فشرده - مجموعه‌ای که	قضیه پوشش	Covering theorem
هر پوشش شمارا از مجموعه‌های باز برای آن	Conversed sine	
دارای زیر پوششی متناهی است.	متم سینوس - متم سینوس A عبارت	
Countably infinite	است از $1 - \sin A$.	
نامتناهی - شمارش پذیر	متم سینوس	Conversine
Countably infinite set	هم ناحیه	Conzonal
مجموعه، نامتناهی شمارش پذیر	Cramer's rule	
Counter	قاعده، کرامر - اگر در دستگاه خطی	
شمارشگر - شمارنده	$AX=B$ داشته باشیم $\det A \neq 0$,	
Counterbalance	آنگاه $x_i = \frac{\det A_i}{\det A}$ که در آن A_i حاصل	
موازنه	از تعویض ستون i ام ماتریس A با بردار	
Counterclockwise	B می‌باشد.	
در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت	Crescent	هلالی شکل - هلال ماه
Counterdomain	دامنه وارون	
Counter example	مثال نقض	Criteria
Counterimage	تصویر وارون	Criteria
Counterpart	هم‌آورد - نقطه، مقابل	Criterion
Counterweight	متعادل کردن - وزنه، تعادل	Critical
Counting	شمارش	Critical damping
Counting number	عدد شمارنده	براشی بحرانی
Counting system	دستگاه شمار	Critical point
Couple	زوج - جفت	نقطه بحرانی - نقطه‌ای که مشتق اول یک
Course	درس - دوره	تابع یا صفر است و یا موجود نمی‌باشد.
Covalence	هم ظرفیتی	Critical region
Covariance	هم پراشی - هم پراشی X و Y را بوسیله	ناحیه، بحرانی - ناحیه، رد
	$Cov(x,y)$ میتوان نشان داد:	Crooked line
	$Cov(x,y) = E[(x - \mu_x)(y - \mu_y)]$	حنی - خط خمیده
Covariant	هم پراش	Cross
		نظم کردن - تقاطع
		Crossed
		ملیب گونه - چلیپایی - متقاطع
		Cross - hatch
		فاشور متقاطع
		Crossing
		نقطه تقاطع

Cross multiplication

ضرب صلیبی - طرفین وسطین کردن

Cross product

حاصلضرب خارجی - حاصلضرب خارجی دو بردار

$$V = a_1 \bar{i} + a_2 \bar{j} + a_3 \bar{k}$$

$$W = b_1 \bar{i} + b_2 \bar{j} + b_3 \bar{k}$$

عبارتست از

$$V \times W = \begin{vmatrix} \bar{i} & \bar{j} & \bar{k} \\ a_1 & a_2 & a_3 \\ b_1 & b_2 & b_3 \end{vmatrix}$$

Cross section

مقطع عرضی - سطح مقطع

Cross sectional area

مساحت سطح مقطع

Crosswise

به شکل ضربه‌در

Cruciform curve

منحنی صلیبی شکل

Crunode

نقطه دوگانه - نقطه مضاعف - نقطه تقاطع یک منحنی با خودش.

Cryptarithmic

حساب ابجد - حساب رمز

Crystallography

بلورشناسی - شاخه‌ای از علم ریاضی در باره توصیف هندسی بلورها

Cubable

کعب پذیر - مکعب پذیر

Cubage تبدیل به مکعب - تخمین به مکعب

Cube

مکعب کردن - به توان سه رساندن - مکعب - توان سوم

Cube of a number مکعب یک عدد

Cube of a quantity

مکعب یک مقدار - مکعب یک کمیت

Cube root

ریشه سوم - کعب

Cubic

مکعبی - درجه سوم

Cubic centimeter

سانتیمتر مکعب

Cubic curve

منحنی درجه سه

Cubic equation

معادله درجه سه

Cubic polynomial

چند جمله‌ای درجه سه

Cuboctahedron

مکعب کنج بریده - یک چند وجهی که وجوه آن از شش مربع مساوی و ۸ مثلث متساوی الاضلاع مساوی تشکیل شده و از بریدن گوشه‌های یک مکعب بدست می‌آید.

Cuboid

مکعب مستطیل

Culminate

به اوج رسیدن

Cumulate

انباشتن - توده کردن - جمع کردن

Cumulative

جمع شونده

Cup

علامتی برای اتحاد مجموعه‌ها - ناو - U

Curiosity

کنجکاوی

Curl

کرل - روتاسیون - چرخش - اگر:

$$\vec{F} = F_x \bar{i} + F_y \bar{j} + F_z \bar{k}$$

باشد چرخش \vec{F} عبارتست از:

$$\text{Curl } \vec{F} = \begin{vmatrix} \bar{i} & \bar{j} & \bar{k} \\ \frac{\partial}{\partial x} & \frac{\partial}{\partial y} & \frac{\partial}{\partial z} \\ F_x & F_y & F_z \end{vmatrix}$$

Curly - bracket آکولاد

Curvate خمیده - منحنی شکل

Curvature form صورت انحنا

Curvature of a curve

انحنای یک منحنی

Curvature of a surface

انحنای یک سطح

Curvature vector بردار انحنا

Curve

منحنی - خم - تصویر فاصله بسته‌ای مانند

$[a, b]$ تحت یک نگاشت پیوسته

Curved خمیده - منحنی شکل

Curved surface سطح خمیده

Curve tracing

رسم منحنی - طریقه رسم منحنی با استفاده

از نقطه یابی، مشتگیری، تقارن و غیره

Curvilinear منحنی الخط

Cusp

نقطه بازگشت - نقطه برخورد دو شاخه

متمايز یک منحنی بطوریکه در این نقطه دو

شاخه مزبور دارای مماس مشترک بوده و

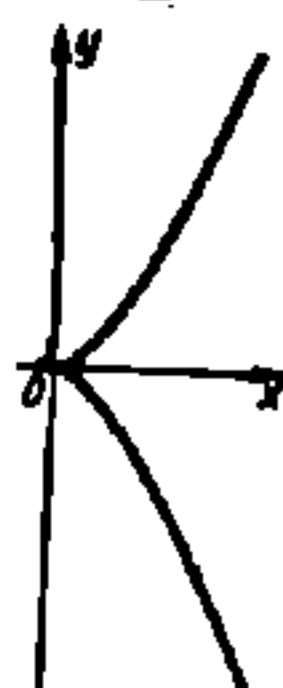
منحنی یک تغییر جهت کامل انجام می‌دهد.

Cusp of the first kind

نقطه بازگشت نوع اول - نقطه بازگشتی

که در نزدیکی آن دو شاخه منحنی در دو

طرف خط مماس واقع باشند، مانند:

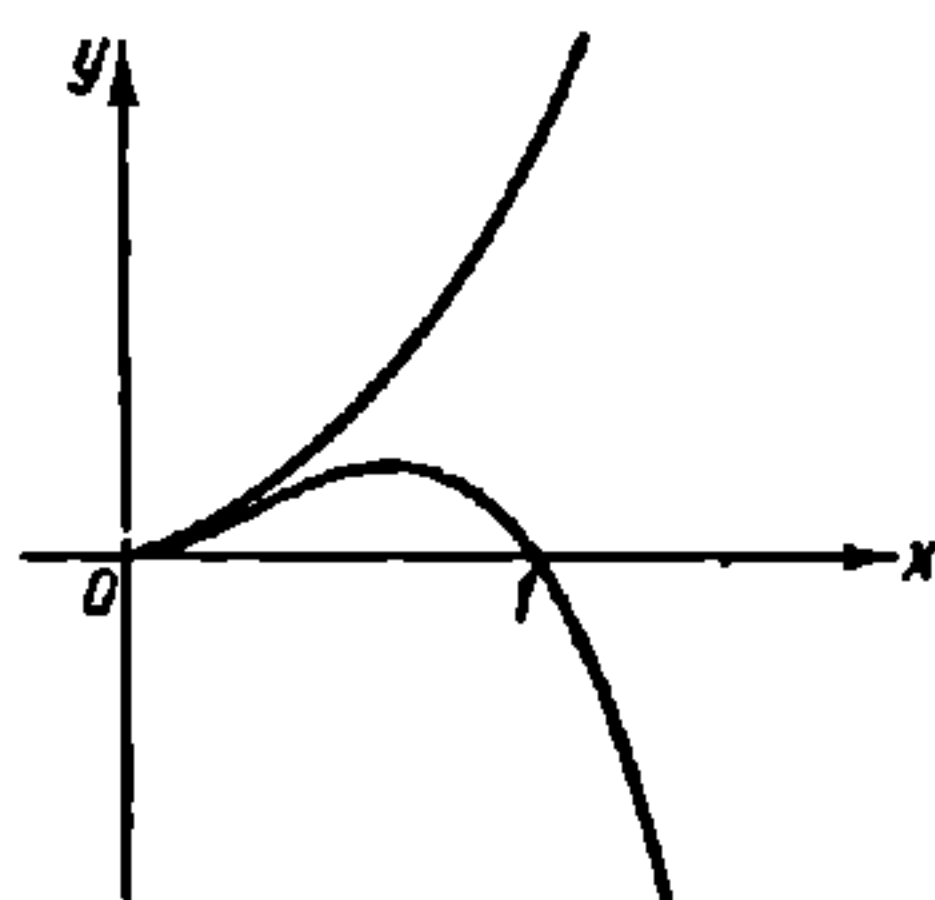


Cusp of the second kind

نقطه بازگشت نوع دوم - نقطه بازگشتی

که در نزدیکی آن دو شاخه منحنی در یک

طرف خط مماس واقع باشند، مانند



Cut برش - بریدن

Cyclic دوری - حلقوی

Cyclic permutation

جابجست دوری - جایگشتی بصورت

$$\begin{pmatrix} a_1 & a_2 & a_3 & \dots & a_{n-1} & a_n \\ a_2 & a_3 & a_4 & \dots & a_n & a_1 \end{pmatrix}$$

Cycloid

چرخزاد - مسیری طی شده توسط یک نقطه

واقع بر محیط دایره‌ای که بر خط راستی

می‌غلتد.



$$\begin{cases} x = a\phi - b \sin \phi \\ y = a - b \cos \phi \\ a > b \end{cases}$$

Cyclotomic equation

معادله تقسیم دایره - معادله‌ای بصورت:

$$x^{n-1} + x^{n-2} + \dots + x + 1 = 0$$

که n یک عدد اول است.

Cyclotomy

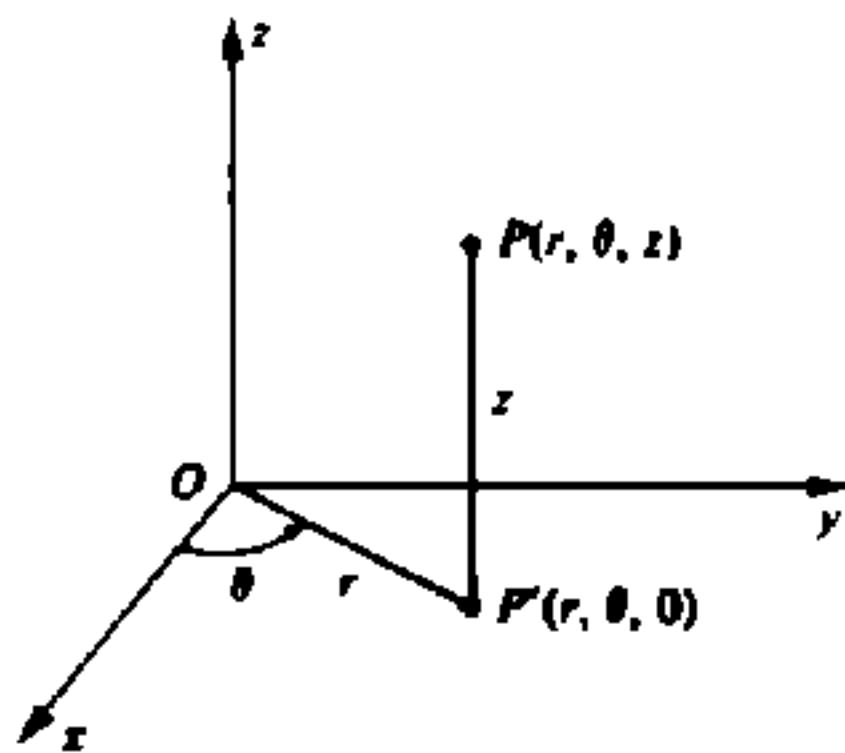
تقسیم دایره - نظریه مربوط به تقسیم

دایره به قطعات مساوی یا ترسیم چند ضلعیهای منتظم و یا، از نظر تحلیلی، یافتن ریشه‌های n -ام واحد.

Cylinder استوانه

Cylindrical coordinates

مختصات استوانه‌ای - اگر $oxyz$ یک دستگاه مختصات دکارتی باشد هر نقطه P از فضا را می‌توان به وسیله سه مختص r, θ, z نمایش داد که در آن r و θ مختصات قطبی تصویر P بر صفحه oxy و z فاصله P از این صفحه است.



Cylindrical helix

مارپیچ استوانه‌ای - منحنی به معادله پارامتری:

$$\begin{cases} x = r \cos t \\ y = r \sin t \\ z = at \end{cases}$$

که در آن a عددیست مثبت و نامفر

Cylindrical surface

رویه استوانه‌ای - رویه‌ای که از حرکت خطی متکی به یک منحنی و موازی با امتدادی معین بدست می‌آید.

